

((علم چگونه توانگر شدن))

نویسنده: والاس والترز

مترجم: دکتر بهاره دادرس

طراح: مهرزاد ش

سرفصل‌ها

مقدمه ای از "راندا برن" نویسنده و تهیه کننده فیلم و کتاب راز

پیش گفتار

1) صحت توانگری

2) برای توانگر شدن تنها یک قانون وجود دارد

3) آیا فرصتها در انحصار افراد خاصی هستند؟

4) اولین اصل در دانش توانگری

5) ارتقاء سطح زندگی

6) چگونه ثروت به سوی شما می آید؟

7) شکرگزاری و قدردانی

8) روش صحیح اندیشیدن

9) چگونه از لفظ إنشالله (می شود) استفاده کنیم؟

10) استفاده های بیشتر از لفظ "إنشالله"

11) صحیح عمل کردن

12) عمل موثر

(۱۳) بسوی حرفه مناسب

(۱۴) تاثیر ارتقاء سطح زندگی بر ما

(۱۵) انسان پیشرفته

(۱۶) چند اخطار و نتیجه نهایی

(۱۷) خلاصه دانش توانگری

مقدمه مترجم

حدود سال ۱۳۸۶ توسط دوست هنرمندی با فیلم راز آشنا شدم....چندی بعد کتاب و وبلاگ فیلم و تمام بازیگران آن را مطالعه کرده و بسیار تحت تاثیر فلسفه آن قرار گرفته بودم در وبلاگ با کتاب اصلی الهام بخش فیلم (همین کتاب) آشنا شدم و چندی بعد تصمیم به ترجمه آن گرفتم

چون فرزند اول این ترجمه کار اولم بود و برایم بسیار عزیز

کار را به یکی از انتشارات معروف سپردم...تایید شد....یکسالی سر دواندند....حتی کتاب در ارشاد کد هم گرفت اما بعد از یکسال از انتشارات اطلاع دادند از چاپ به دلایلی منصرف شده اند....تازه پولی هم برای تایپ و زحمات اضافی خویش طلب داشتند

یکسال پس از ان با گروه " ایرانیان موفق" و کلاسهایشان آشنا شدم...به مدت یکسال با گروه همکاری داشتم و در دوره کلاسهایشان هم شرکت کردم و نام گروه دوره ما هم

" دوره عشق الهی" گذاشته شد.....

ترجمه را به آنها سپردم برای چاپ با انتشارات گروه.....

چاپ که نشد هیچ ...مدتی بعد دیدم همین کتاب بصورت جزوه با اسم خانم دیگری دارد در جلسات گروه به قیمت ۵۰۰۰ تومان به فروش می رسد

دلیل را جویا شدم....استاد!!! گفتند : یکی دیگر از بچه های گروه هم همین کتاب را ترجمه کرده بودند....شما در دسترس نبودید...ترجمه ایشان را جزوه کردیم...ارشاد هم مجوز گرفتن سخت است و دردسر دارد!!!!

و چنین شد که کتابم مدتها ماند در کمدم.....

و هم اکنون (بهار ۱۳۹۱) با الهام از بسیاری نویسندگان و مترجمهای عزیزی که بی چشمداشت آثار خود را در نت و به صورت رایگان برای دسترس عموم قرار می دهند من هم کار را بازبین کرده به صورت فایل پی دی اف در اختیار علاقمندان و کتابخوانهای واقعی قرار می دهم
گویا ترجمه های دیگری از این اثر مدتی بعد در بازار کتاب آمد.....

اما این کار خودم است....کودکی که خودم پروردم و هم اکنون رهایش می کنم تا پی سرنوشت خویش رود.....

این ترجمه را تقدیم می کنم به عشق زندگی ام....کسی که با ورودش به زندگی ام رویاهای کودکی ام را حقیقت بخشید

محبوبم....عشقم....دوستت دارم برای همیشه و تا ابد

دکتر بهاره دادرس (بهار ۱۳۹۱)

مقدمه ای از "راندا برن" نویسنده و تهیه کننده فیلم و کتاب راز

کمتر از ۲ سال پیش زمانی که در زندگی ام با مشکلات زیادی در تمامی زمینه ها از قبیل شغل ..روابط...ارتباط با خانواده ام....(خلاصه هر آنچه فکر کنید)

مواجه بودم..با این کتاب آشنا شدم. یا بهتر است بگویم این کتاب با من آشنا شد!!

صادقانه بگویم از همان شب اول که نسخه کپی شده آن بدستم رسید این کتاب در قلب من جا باز کرد(در این بابت باید از یکی از دخترانم سپاسگزار باشم)

زندگی من هرگز اینطور نبوده....

از زمانی که خودتان شروع به خواندن این کتاب کنید متوجه می شوید که من چرا چنین می گویم.....

این چرا سوالی بود که من از خودم می پرسیدم...چرا افرادی هستند که بنظر فراوانی نامحدودی را

در زندگی خود جذب می کنند در حالی که افرادی دیگر با توانایی ها و استعدادهای مشابه از

توانگری محروم هستند و در زندگی خود با کاستی های متعددی دست به گریبان اند؟؟

از هنگامی که شما راه خود را از طریق این کتاب کوچک شگفت انگیز کشف کنید هیچ چیز ..از

قبیل تحصیلات ..وضعیت..استعداد..محیط ...توانایی ذهنی..مهارت جسمی و یا وضعیت

جغرافیایی مانع موفقیت شما نمی شود.

والاس-والترز با زبانی ساده و محکم برای ما شرح داده است که هر فردی بدون توجه به گذشته یا رویدادهای زندگی اش می تواند اهنربایی برای جذب توانگری به زندگی خویش باشد.

جمله آغازین فصل اول در زمانی کوتاه اهم مطالب را بازگو می کند.

" علی رغم تمام آنچه که در مورد توانگری عنوان شده است.. حقیقت ماجرا اینست که امکان ندارد بدون توانگری بتوان زندگی کامل و موفقی را گذراند"

زمانی که من این جمله را خواندم و تحلیل کردم زندگی خودم از این رو به آن رو شد برنامه های تلویزیونی من بهتر و بهتر شدند...سطح در آمد من بطور ناگهانی افزایش یافت...روابط من بطور معجزه آسایی بهبود یافت و بطور عجیبی به سوی افراد جدیدی رهبری شدم. اینها برای هر کسی که این کتاب شگفت انگیز را کشف کند طبیعی است. از زمانی که دستورات این کتاب را بیاموزید و مو به مو اجرا کنید این اتفاقها به تمامی برای شما هم می افتد. تا زمانی که از این کتاب استفاده کنید برای شما همانند کلید خوشبختی عمل خواهد کرد. این کتاب زندگی شما را تغییر می دهد.

هنگامی که این کتاب را می خوانید دقت کنید که این کتاب حداقل ۱۰۰ سال پیش نوشته شده است. بر خی مثالهای آن برای زمان کنونی مناسب نیست و لازم است که شما به آنها با قلب و ذهنی گشوده توجه کنید.

بخاطر داشته باشید شما در حال کشف یک حقیقت جدید و شگفت انگیز و آموزش اصول بنیادین توانگری و موفقیت در زندگی هستید.

به خاطر داشته باشید و همانطور که والاس می گوید: اعتماد و باور کنید.

هر آنچه در زندگی خود می خواهید اینجا انتظار شما را می کشد و با این کتاب هم اکنون در
دستان شماست.

لذت ببرید.

(راندا برن)

پیشگفتار

این کتاب یک کتاب عملی است نه رساله ای فلسفی...راهنمایی عملی نه رساله ای تئوری....

این کتاب برای افرادی نوشته شده است که نیاز اساسی آنها در حال حاضر توانگر شدن است. کسانی که می خواهند ابتدا توانگر شوند بعد فیلسوف....

برای افرادی است که نه وقت کافی دارند نه دلیلی و نه فرصتی که به آموزش علوم متافیزیک بپردازند...اما می خواهند از نتایج آن بهره مند شوند بدون آنکه به تمام مراحل که منجر به رسیدن به این نتایج شده اند وارد شوند.

انتظار داریم خواننده اساس گفته ها را از خلال عقاید دریافت کند. همانگونه که او می تواند اساس کار قانون الکتریسیته را اگر توسط **مارکونی*** یا **ادیسون*** عنوان شود را درک کند بطوری که بتواند بدون ترس و تردید با الکتریسیته کار کند.

هر فردی که به دستورات این کتاب عمل کند مطمئناً توانگر می شود و دلیل آن اینست که قانونی که در این کتاب ارائه شده قانونی دقیق و خلل ناپذیر است.

به عنوان توضیحات اضافی برای کسانی که علاقمند به تئوریهای مفصل فلسفی هستند و اصرار دارند که قانون پایه برای نتایج پیدا کنند دلایل مسلمی آورده ام.

یک قانون یگانه در کائنات وجود دارد و این قانون می گوید: همه چیز از یک اصل سر منشا می گیرند و این عنصر اولیه می تواند به شکل تمام عناصر موجود در جهان ظاهر شود.

این عقیده از عقاید هندوها وام گرفته شده است و راه خود را با موفقیت در جهان غرب باز کرده است.

بیش از ۲۰۰۰ سال است که این اصل پایه و اساس تمامی فلسفه ای بنیادین می باشد.

در فلسفه دکارت*...اسپینوزا*...شوپنهاور*...هگل*...و امرسون*... همه و همه نیز این اصل دیده می شود.

به خواننده ای که می خواهد به دلایل فلسفی این علم آگاهی یابد توصیه می کنم تئوریهای هگل و امرسون را بطور شخصی مطالعه کند.

در هنگام نوشتن این کتاب سعی کرده ام دانش تمامی آنان را بصورت ساده و خلاصه شده در آورم که توانایی درک آن برای تمامی افراد میسر باشد.

در نقشه ای که در این کتاب ارائه داده ام از خلاصه تمام آن فلسفه ها استفاده شده که قبلا به بوته آزمایش گذاشته شده اند و درستی آنها به اثبات رسیده است.

اگر می خواهید بدانید این نتیجه ها چگونه بدست آمده اند نوشته نویسنده های ذکر شده را بخوانید...اما اگر می خواهید از میوه دانش آنان بطور موثر در کارهایتان استفاده کنید این کتاب را بخوانید و دقیقا به آنچه می گوید عمل کنید (والاس والترز)

فصل یک:

صحت توانگری (آیا توانگر شدن کاری صحیح است؟)

علی رغم هر آنچه که در مورد توانگری گفته شده حقیقت امر اینست که بی آنکه توانگر باشی نمی توانی زندگی موفق و کمال یافته ای را تجربه کنی. هیچ کس بدون آنکه پول کافی داشته باشد نمی تواند به بالاترین حد توانایی ها و استعدادها و تکامل روحی خویش برسد. برای اشکار سازی نهایت توان روحی و برای تکمیل استعدادهایش یک فرد باید به امکانات زیادی دسترسی داشته باشد و او نمی تواند از آنها استفاده کند مگر آنکه پولی برای فراهم کردن آن امکانات داشته باشد.

رشد و تکامل روحی ذهنی و جسمی فرد در گرو استفاده از امکانات متعددی می باشد و در حال حاضر جامعه چنان طبقه بندی و قانونمند شده که برای برخورداری از امکانات باید توان مالی کافی داشت.

بنابراین اساس تمامی پیشرفتهای افراد باید آموزش دانش توانگری باشد.

دلیل اصلی کل زندگی انسان رسیدن به تکامل است و هر موجود زنده ای اصولی برای رسیدن به نهایت ظرفیت تکاملی خویش دارد.

انسان حق زندگی دارد. این بدان معناست که او قابلیت این را دارد که بتواند بدون مشکل از هر امکاناتی که برای حداکثر پیشرفت ذهنی و جسمی خود نیازمند است بهره بگیرد. به بیانی دیگر او حق دارد که توانگر باشد.

در این کتاب من از توانگری با زبانی تمثیلی سخن می گویم. برای توانگری واقعی نباید به میزان اندک رضایت داد. هیچ کس نباید به امکانات اندک رضایت دهد در حالی که می تواند و توانایی آنرا دارد که از امکانات بیشتری لذت ببرد.

مقصد طبیعت تکامل و پیشرفت در زندگی است بنابراین هر فردی باید هر آنچه را که برای رسیدن به قدرت ..ظرافت...زیبایی و توانگری در زندگی اش نیازمند است را دارا باشد. رضایت داشتن به اندک احمقانه است.

فردی توانگر است که برای کل دوران زندگی اش دارای هر آنچه دکه نیازمند است باشد و هیچ فردی بدون ثروت و پول کافی نمی تواند هر آنچه را که می خواهد تهیه کند.

سطح زندگی اجتماعی پیشرفت کرده است و بسیار پیچیده شده...بطوری که هر فرد ساده ای نیز نیاز پول زیادی دارد تا بتواند به طریقی زندگی کند که به حداقل تکامل برسد.

هر فردی بطور طبیعی می خواهد به حداکثر قابلیت های خود امکان ظهور بدهد . این آرزو برای تحقق ذات و توانایی های درونی طبیعت هر انسانی است.

ما نمی توانیم جلوی این آرزو را بگیریم که دوست داریم همانی باشیم که توانش را داریم.

موفقیت در زندگی زمانی بدست می آید که همان کسی باشیم که می خواهیم و ما تنها بوسیله استفاده از امکانات است که می توانیم آنی باشیم که می خواهیم و زمانی می توانیم به راحتی از امکانات استفاده کنیم که به اندازه کافی پول برای فراهم کردن آنها داشته باشیم. بنابراین درک دانش توانگری اساسی ترین دانشهاست.

این هیچ مورد اشتباهی نیست که ما بخواهیم ثروتمند باشیم. دلیل توانگر شدن داشتن یک زندگی توانگر... پر بار و گسترده تر است. این دلیلی ارزشمند و قابل ستایش است.

فردی که نخواهد زندگی پرباری داشته باشد انسانی غیر طبیعی است همانطور که فردی که علاقه نداشته باشد پول کافی برای خرید مایحتاجش داشته باشد غیر طبیعی است.

سه دلیل محرک برای زندگی ما وجود دارد: ما برای جسم .. ذهن و روح خود زندگی می کنیم. هیچکدام از این سه وجه بهتر یا مقدس تر از دیگری نیستند. هر سه مانند هم مهم و مطلوب هستند و هیچ کدام از این سه وجه زندگی نمی توانند بی وجوه دیگر بطور کامل آشکار شوند. این کار درستی نیست که فقط برای روح خود زندگی کنیم و ذهن و جسم را انکار کنیم... همینطور صحیح نیست که تنها برای ذهن و دانش زندگی کنیم و جسم و روح را انکار کنیم.

ما همچنین نباید به این نتیجه برسیم که تنها برای جسم خود زندگی کنیم و ذهن و روح را منکر شویم. پس می بینیم که زندگی واقعی اینست که فرد بتواند زندگی کامل و امکانات کامل را برای روح ذهن و جسم خود فراهم کند.

می توانیم اقرار کنیم که هیچ فردی نمی تواند زندگی شادی را بدون تکامل کامل جسمی اش تجربه کند و همانند این سخن برای ذهن و روح فرد نیز صادق است.

امکانات نامحدودی در جهان وجود دارد. انسان نمی تواند زندگی جسمی خوبی داشته باشد بی آنکه غذای خوب بخورد لباس راحت و جای گرم داشته باشد و امکان استفاده از استراحت و تفریح را داشته باشد.

انسان نمی تواند زندگی کامل ذهنی را تجربه کند بی آنکه بتواند از کتاب.. وقت کافی برای آموختن...مسافرت و امکان مشاهده برخورداری باشد و امکان عضویت در گروههای علمی را داشته باشد.

برای زندگی کامل در زمینه ذهنی فرد باید امکان استراحت ذهنی داشته باشد و بتواند خود را با تمام مظاهر هنر و زیبایی که قادر به استفاده از آنهاست و به آنها نیاز دارد درگیر کند.

برای زندگی کامل روحی فرد باید عاشق باشد و عشق رابطه مستقیم با توانگری دارد!

بزرگترین شادی برای یک فرد اینست که بهترین هدایا را به محبوب خود بدهد. عشق بزرگترین تظاهرش در بخشش است. فردی که چیزی برای بخشیدن ندارد نمی تواند موقعیت خود را بعنوان یک همسر یا یک پدر تثبیت کند . حتی بعنوان یک شهروند یا یک انسان!

بوسیله استفاده از مادیات است که یک فرد می تواند زندگی کامل برای روح و پیشرفت جسمی و ذهنی کامل را تجربه کند. پس این مهم است که ما توانگر و ثروتمند باشیم.

اینکه شما تصور توانگری را داشته باشید کاری کاملاً صحیح است . اگر شما فردی طبیعی باشید نباید غیر از این رفتار کنید. این کاملاً صحیح است که شما باید بیشترین و بهترین توجه و توان خود را معطوف به آموختن دانش توانگری کنید زیرا این مهم ترین چیزی است که باید بیاموزید.

در غیر اینصورت شما در وظیفه تان نسبت به خود و خدا و بشریت سهل انگاری کرده اید. برای خدمت شما به خداوند و انسانیت روشی بهتر و برتر از این نیست که بهترین کارهای ممکن را در حق خود انجام دهید.

فصل دوم:

دانشی برای توانگر شدن وجود دارد

برای توانگر شدن علمی وجود دارد و آن یک علم واقعی و صحیح است درست مثل علم جبر و هندسه.

قوانین مهمی برای طی مراحل رسیدن به توانگری موجود است. هر زمان که فردی این قوانین را بیاموزد و به کار گیرد توانگر می شود.....درست مانند یک قانون ریاضی.

پول و قدرت بدنال انجام این قوانین و دستورات به صورت صحیح بدست می آید.

آنانی که این مراحل را به روشی صحیح انجام می دهند چه به صورت آگاهانه و چه تصادفی توانگر خواهند شد اما تا زمانی که به روش صحیح عمل نکنند بدون توجه به اینکه چقدر زحمت می کشند و سخت کار می کنند و چقدر توانایی دارند فقیر باقی می مانند.

راهی طبیعی وجود دارد که همواره نتیجه می دهد و هر مرد و زنی که آنرا آموخته است و به این روش عمل کند راه صحیح را برای توانگر شدن یافته است.

توانگر شدن ما کاری مربوط به دولت حاکم نیست. اگر اینطور بود تمامی افراد در یک منطقه از لحاظ مالی در یک سطح بودند. مردم یک شهر همگی توانگر بودند یا مردم یک شهر دیگر همگی فقیر بودند. یا شهروندان یک ایالت همگی سلامت بودند در حالی که شهروندان ایالتی دیگر همگی در ناتوانی بسر می بردند. در حالی که ما می بینیم غنی و فقیر کنار هم زندگی می کنند. در یک منطقه و در یک محیط.

زمانی که می بینیم از دونفر که در یک منطقه و در یک شغل کار می کنند یکی ثروتمند و دیگری فقیر است در می یابیم که توانگری موضوعی وابسته به محیط نیست.

برخی از مناطق ممکن است مستعدتر از دیگری باشند اما هنگامی که دو نفر در یک منطقه و در یک شغل وضعیت متفاوتی دارند که یکی ثروتمند و دیگری فقیر است نتیجه می گیریم که توانگری در نتیجه انجام کارها در مسیر صحیح بدست می آید.

از طرفی توانایی انجام کارها در مسیر صحیح فقط به توانایی جسمی بستگی ندارد. بسیاری از افراد با توانایی های فراوان فقیر می مانند در حالی که خیلی ها که توانایی اندکی دارند ثروتمند می شوند.

مطالعه زندگی افراد توانگر به ما ثابت خواهد کرد که آنها یی که تحسین ما را بر می انگیزند چیزی بیشتر از عموم در توانایی های شخصی خود ندارند. پس نتیجه می گیریم آنها به این علت توانگر نشده اند که توانایی و قدرتی بیش از عموم دارند بلکه به این خاطر توانگر شده اند که کارها را به روشی صحیح انجام داده اند.

هیچ فرد توانگری کارهایی را که دیگران انجام داده اند و موفق نشده اند را تکرار نمی کند. برای دو فرد در یک شغل تا هنگامی که دقیقاً کارهایی همانند را انجام دهند و در یک منطقه اگر یکی توانگر شود و دیگری فقیر بماند اشتباهی رخ داده است.

با تمامی این تفاسیر ما نتیجه می گیریم که توانگری رنتیجه انجام کارها در مسیری صحیح است.

پس اگر توانگری نتیجه انجام صحیح کارهاست و اگر دلایلی یکسان نتایجی یکسان را سبب می شوند هر فردی که مسیر صحیح را برود توانگر خواهد شد.

پس تمامی مساله اینست که علم صحیح توانگری را بیاموزیم.

سوالی که اینجا مطرح می شود اینست که آیا این علم چنان سخت و دشوار است که تنها افراد معدودی می توانند انرا فرا بگیرند و دنبال کنند؟؟

خیر اینطور نیست!!

بطوری که ما می بینیم افرادی با ناتوانی های جسمی و یا حتی روحی و ذهنی هم ثروتمند شده اند. انسانهایی که خیلی باهوش نبوده اند هم ثروتمند شده اند. افراد ضعیف و بیمار هم مانند افراد سالم و قوی توانسته اند ثروتمند شوند.

البته اندکی توانایی و قدرت تفکر به عنوان ابزار اولیه لازم است اما با توانایی های اندک نیز برای هر فرد که حداقل توانایی خواندن و درک این مطالب را داشته باشد نیز توانگری امکانپذیر است.

همچنین می بینیم که توانگری امری وابسته به محیط هم نیست. درست است که مکان امکاناتی را در بر می گیرد.. بعنوان مثال کسی نمی تواند به قلب کویر برود و برای خود تجارتی راه بیاندازد. توانگری وابسته به این است که با مردم در تعامل باشیم و چه بهتر که با این افراد در تعاملی خوب و مفید باشیم. اما این چیزی فراتر از شرایط محیطی است.

اگر هر فرد دیگری در شهر شما توانسته ثروتمند شود پس شما هم می توانید. در ضمن توانگری وابسته به این نیست که حتما تخصص یا تجارتی خاص را پایه ریزی کنیم. افراد در هر تجارت و هر تخصصی می توانند توانگر و ثروتمند شوند در حالی که همسایه کناری آنها در همان موقعیت فقیر بماند.

البته این صحیح است که شما بهترین توانایی خود را در تجارتی بکار خواهید برد که به آن علاقه دارید و در خون شماست و اگر توانایی کافی داشته باشید در آن بهترین پیشرفت را می کنید. در ضمن شما در تجارتی که در منطقه زندگی شما رواج دارد می توانید بهترین باشید. مثلاً یک بستنی فروش در یک منطقه گرمسیری موفق تر خواهد بود تا در الاسکا!!! یا یک تجارت صید ماهی سالامون در شمال غربی امریکا موفق تر خواهد بود تا در فلوریدا که هیچ ماهی سالامونی یافت نمی شود!!!!

صرف نظر از این محدودیتهای اولیه ثروتمند شدن شما وابسته به درگیر شدن شما به تجارت خاصی نیست ولی وابسته به آموزشهای صحیح شما می باشد.

اگر هم اینک شما دارای تجارت یا پیشه خاصی هستید و فردی دیگر در محل زندگی شما با همین شغل ثروتمند شده است در حالی که شما ثروتمند نیستید به این دلیل است که شما روشی مشابه با او را اتخاذ نکرده اید.

هیچ فردی بعزت دارایی و توان اندک از ثروتمند شدن باز نمی ماند. هر چند که باید قبول کرد که توانایی و دارایی پیشرفت را سرعت می بخشد اما کسی که توانایی دارد هم اینک توانگر است و کسی که ندارد باید آنرا کسب کند.

هیچ مهم نیست که هم اینک چقدر فقیرید . اگر شروع به انجام کارها در مسیری صحیح کنید به سوی ثروت گام بر خواهید داشت و توانگر می شوید.

بدست آوردن امکانات و توانایی قسمتی از مسیر ثروتمند شدن است و نشاندهنده این واقعیت است که هر تفاوتی که باشد اگر مسیر صحیح طی شود به توانگری می انجامد.

شما ممکن است فقیرترین فرد روی زمین و در قهقرا باشید... شما ممکن است دوست یا فرد حمایتگری نداشته باشید اما اگر به این توصیه ها عمل کنید حتما به سوی توانگری و ثروت گام بر خواهید داشت. برای رسیدن به نتیجه صحیح باید مراحل صحیح اجرا شوند.

اگر شما هیچ قدرتی ندارید می توانید قدرتمند شوید. اگر در تجارتي نادرست هستید می توانید بسوی تجارتي صحیح گام بردارید.

اگر شما در مکانی نادرست هستید می توانید به مکانی صحیح هدایت شوید و می توانید در مکان و تجارت خاص خود شروع به فعالیت کنید تا بتوانید کارها را در مسیری صحیح انجام دهید تا موفقیت را در پی داشته باشد.

فصل سوم:

آیا فرصتها در انحصار افراد خاصی هستند؟

هیچ کس به این علت فقیر نمانده که فرصتها از او دریغ شده یا اینکه دیگران توانگری را در انحصار خود درآورده اند و دور آن یک حصار کشیده اند!!

ممکن است شما از شغل مناسب خود محروم شده باشید اما راههای دیگری به روی شما گشوده است.

ممکن است برای شما سخت باشد که سیستم بزرگ راه آهن را اداره کنید چون آن تجارتی بزرگ و کاملاً انحصاری است یا مثلاً قطارهای برقی مقوله ای کاملاً انحصاری است و توانایی های زیادی برای اجرا می خواهد و این وضع همینطور نیز خواهد ماند و موضوع ترافیک و راههای هوایی هم یک موضوع انحصاری است و در تمام شاخه های خود از هزاران نفر متقاضی افراد معدودی را استخدام می کند یا شاید حتی بتوانیم بگوییم از بین میلیونها متقاضی ۱۰۰ نفر را استخدام می کند.

درست است که اگر شما کارگر جایی باشید شاید کمی نامعقول و دور از دسترس به نظر برسد که صاحب کارخانه یا ملکی شوید که در آن کار می کنید اما می توانید اگر در مسیر صحیح گام بردارید به زودی از استخدام آنجا خارج شوید و کار مختص به خود را آغاز کنید... مثلاً زمینی بخرید و شغل خود را بعنوان تولید کننده مواد غذایی آغاز کنید. هم اکنون فرصتهای خوبی برای افرادی که از استخدام خارج شده و کارهای کوچکی راه اندازی کرده اند وجود دارد.

برخی از این افراد واقعا ثروتمند می شوند.

ممکن است بگویید: من که نمی خواهم زمین بخرم و کشاورزی کنم!!

البته! این یک مثال بود که من بوسیله آن می خواستم به شما نشان دهم که کاری غیر ممکن نیست و شما می توانید کار مورد نظر خود را راه اندازی کنید.

در زمانهای مختلف فرصتها در جاهای مختلفی رخ می دهند که بر طبق نیازهای عمومی و نیز بر طبق شرایط محیطی و اجتماعی حاکم متغیر هستند.

در حال حاضر در امریکا کارها به سمت تخصص و تخصصی شدن پیش می رود امروزه فرصتها حتی برای کارگران کارخانه ها نیز گشوده است و نیز راههای تجارت نیز گشوده اند و نیز برای متخصصین نیز راهها گشوده اند. فرقی بین ثروتمندان و فقیران در فرصتها وجود ندارد...چه کسانی که زمین دار هستند و چه کسانی که محصولات اصلی را تولید می کنند. جهان به همه نیاز دارد.

جهان از یک اصل اولیه ساخته شده که هر آنچه در جهان وجود دارد چه با شکل ظاهری و چه نامرئی از آن منشا می گیرند. پس هزاران برابر آنچه تا کنون موجود است می تواند ساخته شود و ما هرگز نمی توانیم بگوییم چیزی در جهان تمام می شود.

هیچ کس به این دلیل که جهان فقیر است فقیر نشده یا به این دلیل که به اندازه کافی موجود نیست از توانگری باز نمانده است.

طبیعت فروشگاهی بی انتها از ثروتهاست. موجودی آن هرگز تمام نمی شود.

ماده اصلی کائنات بوسیله تبدیل شدن به انرژی زنده است و به شکلهای مختلف در می آید. وقتی موجودی بی نهایت است پس بیشتر و بیشتر ساخته می شود. زمانی که زمین برای کشت مواد غذایی محدود است بازهم زمین و خاک جدیدی ساخته می شود. زمانی که تمام طلاها و نقره های زمین ته کشید اگر انسان هنوز در وضعیتی باشد که به طلا و نقره نیاز داشته باشد بازهم از ماده اولیه و بی شکل ساخته خواهد شد.

ماده و نیروی بی شکل به نیاز انسانها پاسخ می دهد و نمی گذارد انسان محرومیت بکشد.

اینکه افراد باهم تفاوت دارند صحیح است. درصدی از جمعیت همواره توانگر و ثروتمند هستند پس اگر کسی فقیر است به این دلیل است که راه صحیح انجام دادن کارها را پیگیری نکرده است.

نیرو و ماده بی شکل هوشمند است. آن نیرو می اندیشد و زنده است و همواره به سوی زندگی های بسیار سرازیر می شود. این امری طبیعی و ریتم زندگی عادی است که باعث ادامه بقا می شود. این طبیعت هوشیار است که خود را گسترش می دهد و از هوشیاری آن ست که شاخه هایش را بوسیله آشکار شدن در راههای مختلف گسترده می کند.

جهان مادی توسط نیروی بی شکل ساخته شده است که خود را از شکلی به شکل دیگر ظاهر می کند تا خود را سرشار کند. کائنات یک حضور بزرگ حاضر و زنده است که همواره به سوی زندگی بیشتر و کارکرد کاملتر پیش می رود. طبیعت برای این شکل گرفته است که زندگی به سوی تکامل برود.

محرك اصلی گسترده کردن زندگی است. به همین دلیل هر آنچه می تواند به زندگی خدمت کند پیشاپیش خلق شده است. پس هیچ کاستی ای در کار نیست مگر اینکه فکر کنیم خداوند در کار خود غفلت ورزیده است.

علت فقر شما محدودیت ثروت و توانگری نیست. من بعدا راجع به این موضوع توضیح میدهم. فقط بدانید که هر کسی که در مسیر صحیح فکر و عمل کند ماده بی شکل و انرژی نیز به خدمت او در می آید.

فصل چهارم:

اولین اصل در دانش توانگری

تفکر تنها قدرتی است که می تواند ثروت محسوس را از ماده بی شکل ایجاد کند..ماده ای که همه چیز از آن ساخته شده است...ماده ای که می اندیشد و هر فکری از جنس این ماده ..اجسام را پدید می آورد.

ماده اولیه جهان در طی تفکر حرکت می کند . هر شکل و محصولی که شما در طبیعت می بینید شکل محسوسی از تفکر ماده اولیه می باشد.

ماده بی شکل تفکر را می پذیرد و به شکل جسم در می آید. این مسیری است که از طریق آن همه چیز خلق می شود. ما در جهانی از افکار زندگی می کنیم که قسمتی از کائناتی است که می اندیشد. فکری که در جهان متحرک به سوی ماده بی شکل گسترده می شود باعث می شود که ماده فکر به سوی آن پیش رود.

ممکن است به صورت یک سیستم گیاهی شکل بگیرد و به آن شکل بماند. ماده هر فکر به شکل آن فکر در می آید و به سوی فکر حرکت می کند. با ایده گرفتن از سیستم خورشید و دنیا این ماده به شکل آنها در می آید و آن را بصورت آنچه اندیشیده شده پیش می برد. فکر به شکل درختی که رویش کندی دارد از خلال ماده بی شکل می گذرد و آن درخت را می آفریند.

یک فکر ممکن است قرن‌ها طول بکشد تا کاری را انجام دهد. در عمل خلقت بنظر می آید بی شکلی از خلال حرکت می گذرد تا باعث تاسیس چیزی شود.

فکر کردن به یک درخت با سرعت رشد کند درختی با سرعت رشد سریع را بوجود نمی آورد اما نیرویی را آغاز می کند که یک درخت را می سازد و علت آن بنا نهادن مسیر رشد می باشد.

افکار تمامی اشکال در ماده متفکر نگهداری شده و باعث آفرینش آنها می شود.

البته همواره یا حداقل در اکثر موارد دوره آفرینش زمان می برد. فکر به یک ساختمان عالی اگر به ماده بی شکل فضا آورد ممکن است سریعاً شکل نپذیرد اما باعث یک انرژی خلقت می شود که در جهت بدست آوردن راههایی که بتواند با سرعت بیشتری خانه مذکور را بسازد می شود.

اگر راهی نبود که در آن انرژی خلاق بتواند کاری کند خانه ممکن است مستقیماً از ماده اولیه ساخته شود بدون آنکه برای طی مراحل دنیای مادی صبر کند.

"هیچ فکری نیست که بتواند به ماده اساسی فشار وارد کند بی آنکه یک شکل مادی را خلق کند"

انسان یک ماشین متفکر است و فکر تولید می کند. هر شکلی را که انسان با دستهای خود می سازد باید ابتدا از افکار او خارج شود. او نمی تواند چیزی را خلق کند بی آنکه به آن فکر کند.

زمانی که فرد می خواهد کاری را انجام دهد باید راهنمایی برای انجام آن داشته باشد.

انسان هرگز به فکر این نیست که تلاش کند از ماده بی شکل... شکلی جدید خلق کند.

وقتی انسان به شکل متفکر در می آید مواد اولیه را از طبیعت بدست می آورد و آنرا به شکلی که در ذهن خود دارد تبدیل می کند. او حتی نمی اندیشد که خداوند به او قدرتی خدای گونه داده تا بتواند خالق باشد.

انسان بصورت یک موجود ماشینی در آمده است. او فکر نمی کند که ممکن است بتواند از ماده بی شکل با تفکر خویش چیزی خلق کند. ما باید فکر انسان را تصحیح کنیم تا بتواند به این اصل برسد که "ما می توانیم"

با تصحیح این تفکر در هر فردی در پله اول باید سه باور اولیه را رها کنیم:

ابتدا ما می دانیم که یک ماده بی شکل اولیه وجود دارد که تمام موجودات و مخلوقات جهان از آن ساخته شده اند. با وجود آنکه صورتهای زیادی به چشم می خورند اما همه از یک عنصر اولیه سر منشا گرفته اند. تمام آنچه در جهان دیده می شود در اشکال گوناگون از یک چیز خلق شده اند و این عنصر ماده ای متفکر است و در پشت فرایند خلقت فکری نهفته است که ماده مجسم را می سازد.

انسان یک مکان تفکر است یا بهتر است بگوییم کارگاه خلق فکر است که قادر است فکرهای بکری داشته باشد.

اگر انسان بتواند فکر خود را بسوی ماده متفکر اولیه هدایت کند می تواند دقیقاً آنچه را که بدان می اندیشد خلق کند.

به طور خلاصه می توانیم بگوییم: ماده ای متفکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است و به صورت کلی جهان تجلی یافته است. هر فکری با تاثیر بر این ماده آنچه را که اندیشیده ظاهر می کند. انسان می تواند با فکرش خالق باشد و با تاثیر فکرش بر ماده متفکر باعث شود آنچه را که بدان می اندیشیده خلق شود.

ممکن است برسید آیا من می توانم بدون وارد شدن به جزئیات از این مسیر استفاده کنم؟؟ و من می گویم بله! انسان قدرت آنرا دارد و می تواند که باعث شکل دهی به افکار شود و من با تجربه ام خود اینرا دریافته ام و به این دلیل است که قاطع پاسخ می دهم.

اگر کسی با خواندن این کتاب و عمل به آنچه می گوید نیز ثروتمند شود بازهم باعث تصدیق گفته من خواهد شد. اما اگر همه با خواندن آن ثروتمند شوند چه؟؟

آنوقت آن بصورت یک قانون خواهد بود تا زمانی که کسی از آن استفاده کند و موفق نشود. هر نظریه تا زمانی که نقض نشود صحیح است. اما من مطمئن هستم که این نظریه نقض نمی شود و هر کس که هر آنچه این کتاب می گوید را دقیقاً انجام دهد به ثروت خواهد رسید.

روش یک فرد در انجام کارها راهی مستقیم است برای یافتن فکر او در مورد اجسام. برای انجام کارها به آن روشی که می خواهید انجام شوند باید توانایی اندیشیدن به روش صحیح را داشته باشید. این پله اول در راه ثروتمند شدن است.

برای فکر کردن به آنچه می خواهید باید به روش صحیح فکر کنید.

هر فردی قدرت طبیعی و نامحدودی برای تفکر دارد و برای آنکه به آنچه می خواهد برسد بیندیشد لازمه اش اینست که مسیری طولانی را طی کند تا بیاموزد چگونه به چیزی که می خواهد بیندیشد تا ظاهر شود.

فکر کردن موافق خلقت اسان است اما برای فکر کردن صحیح باید تلاش کرد و نیاز به قدرت دارد . قدرتی بیش از آنکه برای انجام هر کار اجرایی لازم است.

می گویند آسوده شدن از افکار مقاوم و مزاحم به قدری سخت است که هیچ کاری در دنیا از آن سخت تر نیست. گفته آنها درست است! زیرا همان برایشان آشکار خواهد شد!!

هر چیز مرئی در این جهان مرئی در ذهن و توسط تصورات آن ساخته می شود این تنها از یک راه ممکن است و آن اندیشیدن در مسیری صحیح می باشد.

با نگاه کردن به مسیر ظهور بیماری یک بیماری را در ذهن خود می سازید و سپس در جسم خود ظهورش می دهید.

اگر حقیقتا نگاه کنید آنچه وجود دارد بیماری نیست بلکه این تنها یک تظاهر است و حقیقت سلامتی می باشد. اگر به مسیر خلق فقر بنگرید محصول آن در ذهن شما فقر است اما تا زمانی که این فکر را در ذهن خود نگه دارید که فقر وجود ندارد این تنها حقیقت شما خواهد بود.

با فکر کردن به سلامت وقتی گرفتار بیماری هستید یا اندیشیدن به ثروت وقتی در فقر هستید باعث بروز قدرت می شوید. اما هر کسی که آنرا به یک فکر غالب تبدیل کند می تواند هر آنچه را که می خواهد داشته باشد. این قدرت تنها می تواند با قانونی که پشت هر خلقت است تظاهر یابد و آن قانون اینست که تنها یک ماده متفکر وجود دارد که بوسیله آن همه چیز ساخته می شود.

پس ما باید قبول کنیم که حقیقت آن است و هر فکری که به آن ماده برسد به جسم تبدیل می شود و هر کسی فکر خود را روی آن متمرکز کند باعث می شود شکل بپذیرد و تجسم یابد. وقتی ما اینرا درک کنیم تمام نگرانیها و ترس خود را از دست می دهیم به این خاطر که می دانیم ما می توانیم هر آنچه را می خواهیم خلق کنیم. ما می توانیم هر آنچه را می خواهیم بدست بیاوریم و هر آنچه می خواهیم بشویم. برای اولین قدم به سوی ثروتمند شدن شما باید ۴ اصل

گفته شده در این فصل را باور کنید و آنها را بکار برید. من آنها را در اینجا تکرار کرده ام:

یک ماده اولیه متفکر است که همه چیز از آن ساخته شده است و در اصل آن است که در تمام جهان گسترده شده است. وارد شدن فکری در این ماده اجسامی را می سازد که توسط آن فکر تظاهر یافته اند. انسان می تواند اجسام را با فکر خود بسازد و با فشار وارد کردن با فکر خود به این ماده بی شکل می تواند باعث شود که آنچه در فکرش است خلق شود.

شما باید تصورات خود از کائنات را جز این تفکر رها کنید و باید آنها مدام تکرار کنید تا در ذهن شما جایگزین شود و به صورت فکر غالب شما تبدیل شود. این نوشته را بارها و بارها بخوانید. هر کلمه اش را در حافظه خود حک کنید و روی آنها مدیتیشن کنید تا کاملاً باورتان شوند. مطمئن باشید این برای شما اتفاق خواهد افتاد. آنها در ذهن خود حک کنید.

به عقاید خلاف ان گوش ندهید. به کلیساهای یا سخنرانیهایی که خلاف اینرا تبلیغ می کنند نروید. مجله ها و کتابهایی را که فکر دیگری را مطرح می کنند نخوانید. اگر در عقاید خود اختلال ایجاد کنید کل زحماتتان به هدر می رود. نپرسید چرا اینها صحیح است یا چگونه می توانند صحیح باشند...تنها به آنها اعتماد کنید. دانش رسیدن به ثروت با موافقت و اعتقاد راسخ به این عقیده ها شروع می شود.

فصل پنجم:

ارتقا سطح زندگی

شما باید از تاثیرات افکار گذشته که می گویند باید فقیر باشید و از دست کسانی که باعث می شوند شما در فقر بمانید رها شوید. ماده هوشمند که خود همه چیز است و در همه چیز زندگی می کند و در شما هم موجود است ماده ای زنده است. برای ماده ای زنده بودن باید طبیعت و ذات اشتیاق در هر هوشمند زنده ای را برای ارتقا سطح زندگی داشته باشد.

هر موجود زنده ای باید برای توسعه زندگی اش تلاش کند. برای حیات.. برای زنده بودن ...باید خودش را ارتقا دهد.

یک دانه روی زمین می افتد ...شروع به فعالیت می کند و در عمل زندگی تبدیل به صدها دانه دیگر می شود و حیات را با زندگی خودش ادامه می دهد. این همواره بیشتر می شود . این امر باید صورت پذیرد. اگر زندگی ادامه یابد همواره خواهد بود.

هوش نیز تحت این فشار برای ادامه ارتقا قرار دارد. هر فکری که می کنیم ما را ناچار به فکر دیگری می کند پس دقت کنید که به گسترده شدن ادامه می دهد. هر کاری که می آموزیم ما را به سوی آموختن کاری دیگر راهنمایی می کند. دانش به سوی گسترش ادامه می یابد. هر موضوعی را که به ذهن خود می آوریم باعث می شود فکر دیگری نیز به ذهن بیاید. ما یک موضوع اجباری برای حیات هستیم . ما توضیحی برای هر آنچه هستیم که ما را هدایت به دانش بیشتر ...کار بیشتر و بودن بیشتر می کند.

برای بیشتر دانستن... بیشتر انجام دادن و بیشتر بودن ما باید دارایی بیشتری داشته باشیم. ما باید وسایل زیادی در دسترس داشته باشیم برای استفاده کردن..آموزش و انجام کارهایمان و در کل برای زندگیمان و بودن تنها با استفاده از وسایل میسر است. ما باید ثروتمند شویم تا اینکه بهتر زندگی کنیم.

توصیف ثروت به سادگی: زندگی گسترده تر و پربارتر است.

تمامی توصیفها بر می گردد به توانایی برای اجرا و انجام دادن کارها. آنچه باعث می شود که شما پول بیشتری بخواهید همانند دلیل گیاه است برای رشد. این است مفهوم زندگی: پربارتر شدن. هر موجود زنده ای باید دلیل این قانون زندگی باشد. این واجب است که موجود بخواهد بیشتر زندگی کند. پس این دلیل ضروری خلق چیزهاست.

خواستنی که بیشتر در وجود شما ظاهر می شود باعث می شود هر آنچه را که می توانید استفاده کنید داشته باشید.

این خواست خداست که شما ثروتمند باشید. خداوند می خواهد شما ثروتمند باشید چون در این صورت بهتر می تواند خود را از خلال حضور شما ظاهر سازد.

خداوند می تواند بیشتر در شما تظاهر کند اگر تظاهر نامحدودی برای زندگی باشید.

کائنات می خواهد شما هر آنچه را که می خواهید داشته باشید. طبیعت با نقشه های شما دوست است. همه چیز بطور طبیعی برای شماست. ذهن خود را طوری طراحی کنید که باور کند این امر حقیقت دارد. این یک امر حیاتی است. هر چند که شما باید بطور طبیعی با این اصل یگانه شده باشید. شما باید خواستار زندگی واقعی باشید نه حداقل امکانات. زندگی از کارکردها بوجود آمده

است و انسان تنها زمانی واقعا زندگی می کند که تمامی کارکردها را داشته باشد...جسمی...روحي...ذهنی...تمامی کارکردها را تا حدی که توانایی آنرا دارد داشته باشد بدون کاستی ای در هیچکدام آنها.

شما نمی خواهید که ثروتمند شوید که با شهوت زندگی کنید...با امیال حیوانی...زیرا این زندگی نیست. اما اشکار کردن تمام کارکرد جسمانی قسمتی از زندگی فرد است. کسی که هشدارهای جسمی طبیعی خود را نادیده می گیرد نمی تواند کامل و در سلامت زندگی کند. شما نمی خواهید ثروتمند شوید تا فقط از لذتهای ذهنی استفاده کنید..تا مشهور و دانشمند شوید و به دیگران فخر بفروشید و

تمامی اینها قسمتی از زندگی هستند اما انسانی که تنها برای لذت بردن از هوش و ذهنش زندگی می کند یک زندگی تک بعدی دارد و هرگز به کمال خود نمی رسد.

شما نمی خواهید ثروتمند باشید تنها برای اینکه به دیگران خوبی کنید...خود را فراموش کنید بعنوان یک انسان و فقط لذت فداکاری را بچشید.

لذت روحی تنها یک بخش از زندگی است و تمام این وجوه هیچکدام برتری یا تقدسی به دیگری ندارند.

شما می خواهید ثروتمند باشید به این علت که می خورید...می آشامید...زمانی که وقتش رسید ازدواج می کنید...و....

می خواهید ثروتمند باشید تا به چیزهای زیبا برسید...سرزمینهای مختلف را ببینید...ذهن خود را رشد دهید.....هوش خود را تکامل بخشید و بتوانید نقش خوبی را در رسیدن جهان به هدف حقیقی اش ایفا کنید. اما بیاد داشته باشید دیگر دوستی مقدم تر و مقدس تر از خویشتن دوستی

نمی باشد. اشتباه است که تصور کنیم خواست خداوند است که ما برای دیگران خودمان را فدا کنیم تا پیش او عزیز شویم....دست بردارید! خداوند به چنین چیزی نیاز ندارد!

آنچه خداوند می خواهد اینست که بهترینها را در حق خود و دیگران انجام دهید. شما می توانید بیشتر به دیگران کمک کنید زمانی که بیشتر به خودتان پردازید .

شما می توانید با ثروتمند شدن بیشتر به خودتان پردازید. پس صحیح این است که شما اولین و بهترین فکر خود را در راه ثروتمند شدن بکار گیرید.

بخاطر داشته باشید تصور و خواسته ماده اولیه برای همه است و حرکت برای زندگی بیشتر باید برای همه باشد. نمی تواند با زندگی محدود برای کسی کار کند و این ماده بطور مساوی برای همه است و ثروت و زندگی را می آورد.

ماده هوشمند مواد را برای شما می سازد اما چیزی را از کسی دریغ نمی کند تا به شما بدهد. شما باید از فکر رقابت دست بردارید . شما بسیار خلاقید. برای چیزی که می تواند خلق شود نباید رقابت کنید. شما نباید چیزی را از کسی دریغ کنید نباید متقلب باشید یا از سود کسی بدزدید. شما نباید بگذارید کسی برای شما بیش از آنچه دریافت می کند کار کند . شما مجاز نیستید فقر را برای آرزو کنید یا با چشمان حسرت بار و آرزومند کسی را بنگرید. هیچ کسی چیزی ندارد که شما نتوانید داشته باشید. این بدون گرفتن دارایی او از او هم میسر است.

شما یک خالق هستید نه یک مبارز. شما می خواهید هر آنچه را که خواهانید بدست آورید اما به روشی که وقتی آنرا گرفتید همه افراد دارا تر از آنچه اکنون هستند بشوند.

من شاهدی که بسیاری افراد از روشهای صحیحی که گفته شد ثروتمند می شوند و جهانی گسترده را به دنیا اضافه می کنند. افرادی که خیلی ثروتمند هستند گاهی تمام توان خود را برای نقشه

کشیدن و رقابت بکار می گیرند و بطور ناخودآگاه باعث می شوند که مسیر ماده را برای خود متوقف کنند.

برخی دیگر به مسیر و حرکت ماده در راه و حرکت بزرگش برای عموم مردم خدمت می کنند

راکفلر* ... کارنگی*.....مورگان*.....و....بطور آگاه یا نا آگاه ارگانهایی را خلق کرده اند که باعث فعالیت سیستماتیزه و ارگانیزه برای خلق مهارت هستند و ثروت و کار آنها برای گسترده تر شدن زندگی همه کاربرد دارد. کم کم جمعیت کثیری با این دانایی آشنا و در جهان پراکنده می شوند.

مولتی میلیونرها مانند هیولاهای ماقبل تاریخ هستند. آنها کار اساسی را در یک پروسه مهارتی انجام نمی دهند و بسیاری از آنها ثروتمند واقعی نیستند. یک گزارش از زندگی خصوصی بسیاری از آنها نشان می دهد که مشکلات و معضلاتی بسی بیش از مردم فقیر دارند.

ثروتمندانی که برنامه های رقابتی را پایه ریزی می کنند هرگز پایدار و ابدی نخواهند بود. این نوع ثروت امروز مال شماسست و فردا مال دیگری.

بخاطر داشته باشید اگر با یک روش علمی و حقیقی ثروتمند شدید خود را از ایده های رقابتی دورنگه دارید. شما هرگز نباید فکر کنید که محدودیتی وجود دارد.

از هر زمانی که فکر کنید پول محدود است و بوسیله دیگران کنترل می شود و خود را موظف کنید که قوانینی برای بازداری از این پروسه وضع کنید در همان زمان شما به یک ذهن رقابتگر گرفتار می شوید و قدرت خلاق شما از دست می رود. از زمانی که این کار را شروع کنید خلاقیت را متوقف خواهید کرد.

بدانید که میلیونها دلار طلای غیر قابل شمارش در کوههای زمین وجود دارد که هنوز کشف نشده اند و بدانید که حتی اگر هم نبودند به تعداد زیاد می تواند توسط ماده متفکر ساخته شود که نیازهای شما را برآورده سازد. بدانید پولی که می خواهید از راه می رسد حتی اگر هزاران مرد مجبور شود که معادن طلای جدید را کشف کنند.

هرگز تنها به آنچه قابل رویت است نگاه نکن...همواره در ثروت نامحدود موجود در ماده بی شکل نگاه کن و بدان که آنها به سوی تو می آیند . هر گاه که آماده دریافت آنها باشی و از آنها استفاده کنی. هیچ کسی با محدود کردن مواد قابل رویت نمی تواند شما را از آنچه مال شماست بازدارد.

هرگز به خود اجازه ندهید که فکر کنید تمام زمینهای خوب برای ساختمان قبلا ساخته شده اند پیش از آنکه شما بتوانید خانه خود را بسازید و باید عجله کنید. هرگز نگران و مضطرب و ترسان نشوید. آنچه می خواهید به زودی از تمام زمین به سوی شما می آید. هرگز نترسید که کسی شما را از رسیدن به آنچه می خواهید منع کرده است. این امر هرگز اتفاق نمی افتد . هر آنچه را که می خواهید خلق کنید می توانید از خلال ماده بی شکل پدید آورید و این امر نامحدود است.

یک فکر غلط وجود دارد و آن اینکه همه چیز قبلا ساخته شده است و در مکان اصلی خود گسترده شده و تمام فضای کائنات را در بر گرفته....اینطور نیست!

یک فکر می تواند بر ماده اولیه تاثیر کند و تفکر خود را به تصویر بکشد.

انسان می تواند چیزها را در فکر خود بسازد و با فشار و تلقین فکر خود به ماده بی شکل باعث پدید آمدن آنچه که می خواهد بشود.

فصل ششم:

چگونه ثروت به سوی شما می آید؟

زمانی که من می گویم در هیچ معامله ای تعجیل نکنید منظورم این نیست که اصلاً معامله ای نکنید یا لازم نیست به زیر دستان خود در محیط کار توجه کنید. من منظورم اینست که شما نباید چیزی را به نامردی از کسی دریغ کنید. شما نباید چیزی را در ازای هیچ دریافت کنید.... اما می توانید به هر کسی بیش از آنچه از آنها دریافت کرده اید بدهید.

شما نمی توانید به هر کسی پولی بیش از آنچه در معامله دریافت کرده اید بدهید اما می توانید به او مقدار بیشتری استفاده از آنچه پرداخت کرده است بابت آنچه از شما گرفته بدهید.

کاغذ... جوهر یا دیگر چیزهایی که در نوشتن این کتاب بکار رفته اند ممکن است به اندازه پولی که برای آن پرداخت کرده اید نیرزد اما نسبت به کسی که انرا به شما فروخته نباید اشتباه کنید. آنها سود بزرگی را به شما رسانده اند در قبال پول اندکی که شما پرداخته اید.

بیایید مثالی بزنیم: من تابلویی از یک هنرمند معروف دارم که در هر جایی ۱۰۰۰ دلار می ارزد. من آنرا نزد "بافین رای" می برم و در حراجی او یک مرد اسکیمو آنرا ۵۰۰ دلار می خرد. ولی من اشتباه کرده ام برای اینکه او سودی از این معامله نمی برد. این تابلو ارزشی برای او نخواهد داشت چون دردی از زندگی او دوا نمی کند.... اما اگر یک تفنگ شکاری به او به ارزش 05 دلار می فروختم او معامله خوبی را انجام داده بود. او از تفنگ استفاده می

کند و آن برایش شکار و غذا به همراه می آورد. این تفنگ در هر صورت به درد زندگی او می خورد. این او را توانگر می کند.

اگر شما از حالت رقابتی به حالت خلاق ارتقا یابید می توانید تجارت خود را بصورت انحصاری و مناسب خود پایه ریزی کنید. اما اگر به کسی چیزی بفروشید که زیاد بدرد او نمی خورد آنچه که او نیز در افزایش به شما می پردازد به دردتان نخواهد خورد. شما نمی توانید در تجارت به کسی ضرر بزنید. اگر شما در تجارتي باشید که به دیگران ضرر وارد می کند به زودی از آن ساقط می شوید.

به هر کسی چیز بیشتر و بدرد بخورتری در ازای آنچه به شما پرداخت می کند بدهید...انگاه شما به زندگی و حیات در جهان با تجارت مفید خود چیزی را اضافه می کنید. اگر افرادی هستند که برای شما کار می کنند و می خواهید سود بیشتری از آنچه به شما می پردازد عایدتان شود باید تجارت خود را به شیوه ای طراحی کنید که اساس تکاملی داشته باشد بنابراین هر کارمندی علاقمند است هرروز کمی بیشتر و بهتر برای شما کار کند.

تجارت شما می تواند طوری برای کارمندان شما عمل کند که این کتاب برای شما عمل کرده است. تجارت شما می تواند نردبانی باشد که هر کارمند می تواند با تلاش خود از آن برای ثروتمند شدنش استفاده کند و امکانات آن طوری باشد که اگر کسی تلاش کافی نکند چیز بیشتری را دریافت نکند و آن دیگر تقصیر شما نیست و در انتها شما ثروتمند خواهید شد زیرا از روش خلاق برای ثروت خود استفاده کرده اید و از ماده بی شکل که تمام محیط شما را احاطه کرده است بهره برده اید. به این شکل نیست که از اتمسفر و جو چیزی یکدفعه شکل پذیرد و جلوی چشمان شما ظاهر شود.

بعنوان مثال اگر شما یک جارو برقی می خواهید منظور من این نبود که شما فکر یک جارو برقی را به ماده بی شکل کائنات تلقین کنید و جارو برقی بی هیچ تلاشی در اتاق شما ظاهر می شود . اما اگر شما خواهان جاروبرقی هستید یکی از راهها اینست که مواد اولیه بدست آوردن آنرا تهیه کنید. بدون هیچ فکری جارو برقی ظاهر نمی شود. اما پس از یک فکر حساب شده و بدست آوردن شرایط لازم جارو برقی بدست می آید. هرگز نگران آن نباشید و فکر دیگری نکنید که آیا بدست می آید یا خیر...ایمان داشته باشید که هم اکنون نیز مال شماست. آن بوسیله قدرت هوش و ذکاوت بدست می آید. بوسیله تلاش ذهن انسان.

حال اگر شما در شهر منتهن زندگی می کنید ممکن است کسی از تگراس یا ژاپن آنرا بسازد و بیاورد. فرقی نمی کند. بهر حال شما به خواسته خود می رسید. در هر صورت تمام دلایل تکامل بشری دست به دست هم می دهند تا آن مال شما شود.

هرگز یک لحظه هم فراموش نکنید که ماده متفکر همواره در حال فکر کردن است . برای همه و در همه جا نفوذ دارد. تلقین تفکر به ماده متفکر برای زندگی پربارتر و بهتر باعث شده که چیزهایی مثل جارو برقی که در حال حاضر ساخته شده اند برای بهبود زندگی بشر ساخته شوند. و نیز می تواند هزاران چیز دیگر را نیز خلق کند. این کار را انجام می دهد تا زمانی که فرد به تصور و تفکر به روش صحیح ادامه دهد. شما البته که می توانید یک جاروبرقی در خانه خود داشته باشید و البته که می توانید چیزهای دیگری را هم که می خواهید داشته باشید که بتوانید برای بهبودی زندگی خود و دیگران از آنها استفاده کنید. شما نباید حرص بزنید که بیشتر بخواهید.

"این خواست خداوند شماست که ملکوت را به شما ارزانی دارد" (عیسی مسیح)

ماده اولیه می خواهد تمام آنچه را که در شما امکان دارد ظاهر کند و زندگی کند و می خواهد که شما تمام آنچه را که در زندگی خود می توانید و استفاده خواهید کرد برای زندگی هرچه بهتر داشته باشید .

اگر شما روی هوشیاری خود متمرکز شوید عمل تصور حس می کند که چه برای ثروت لازم است و قدرت یگانه ای دارد که تمام حالت های اعتقادی شما را بصورت مرئی ظاهر کند. یک روز من پسر کوچکی را دیدم که پشت پیانو نشسته بود و به سختی تلاش می کرد که از نواختن کلیدها یک هارمونی خلق کند ولی از دست ناتوانی خود در نواختن موسیقی کلافه و عصبی شده بود. از او علت ناراحتی اش را پرسیدم و او گفت : " من موسیقی را در درونم حس می کنم ولی نمی توانم دستهایم را در مسیر درست حرکت دهم."

موسیقی درون او مرجعش ماده اولیه بود که باعث تمامی امکانات در زندگی می شود. آنچه باقی می ماند در این میان آموزش صحیح به کودک است . خداوند (تنها حضور موجود) می خواهد که از طریق انسان زندگی و لذت عمل را جاری کند.

خداوند می فرماید: "من دستهایی می خواهم که ساختمان های اعجاب انگیز بسازد. هارمونی های بهشتی خلق کند و نقاشی های مجلل بکشند. من احساسی می خواهم تا حس هایم را منتقل کنم و چشم هایی که زیبایی هایم را ببینند. زبان هایی که کلام های زیبا بگویند و اشعار و آوازهای آسمانی بسرایند"

آنچه در این میان باقی می ماند ظاهر کردن این توانایی ها در انسان است . خداوند می خواهد هر آنکه قدرت نواختن دارد ابزار موسیقی در دسترس داشته باشد و به نهایت توانایی های خود نایل شود. خداوند می خواهد هر آنکه جذب زیبایی می شود در اطراف خود با مظاهر زیبایی مواجه شود. خداوند می خواهد هر آنکه حقیقت را درک می کند تمام امکانات برای سفر و مشاهده را داشته باشد. خداوند می خواهد هر آنکه قدرتش را دارد آشپزیا خیاط ماهری بشود.

خداوند تمام اینها را می خواهد زیرا خودش از ظهور آنها لذت می برد. این خداوند است که از طریق ما می خواهد بازی کند...اواز بخواند ...از زیبایی لذت ببرد...حقیقت را اعلام کند ...لباسهای خوب بپوشد و غذاهای خوب بخورد.

" این خداوند است که درون شما کار می کند هنگام بودن شما و هنگامی که کاری را انجام می دهید " (پولس قدیس)*

خواست شما برای ثروت بی نهایت است همانند آن حسی که در آن پسر کوچک برای نواختن پیانو زبانه می کشید. بنابراین شما نباید در بیشتر خواستن درنگ کنید. قسمت شما در زندگی متمرکز شده است و میل و خواهش شما را به خداوند عرضه می کند.

این نقطه ای سخت برای اکثر افراد است. در آنها چیزی از یک باور قدیمی باقی مانده است که توانگری و توانمندی شخصی خواهشی از خداوند است. آنها به قدرت و توانگری به عنوان یک نقشه اولیه و لازمه طبیعت نگاه نمی کنند. آنها عقیده دارند که خداوند کار خود را به پایان رسانیده است و هر آنچه را که می توانسته قبلا ساخته است. بنابراین اکثریت انسانها

باید فقیر بمانند برای اینکه آنقدر وجود ندارد که به همه برسد. آنها این عقیده نادرست را با خود نگه می دارند برای اینکه خجالت می کشند که درخواست توانگری کنند. آنها تلاشی برای اینکه بیش از حد معمول را خواهان باشند نمی کنند. تنها به اندازه ای می خواهند که برای نیازهای اولیه شان کافی باشد.

من هم اینک دوباره می گویم که باید در ذهن خود تصویر تازه ای را از ظهور اجسام نگه دارید. همچنین باید فکر خلاقانه آنها نیز به ماده بی شکل و متفکر فشار وارد کند.

یک داستان واقعی:

مرد فقیری بود که در خانه ای اجاره ای زندگی می کرد و تنها در آمدی در حد گذران زندگی روزمره اش را داشت. اما بعد از درک این قانون تصمیم گرفت که خواهان یک اتاق خوب باشد و یک بخاری ذغالی برای گرم کردن خانه در هوای سرد. از طریق دنبال کردن قوانینی که در این کتاب ارائه شده او در طی چند ماه مالک آنها شد و باور کرد که به اندازه کافی درخواست نکرده است!

او به خانه ای که می خواست در آن زندگی کند اندیشید و برای تمام تغییراتی که می خواست در آن ایجاد کند نقشه کشید. او در ذهن خود مجسم کرد که یک پنجره وسیع اینجا می گذارد و یک اتاق اینجا.

هنگامی که در ذهن خود خانه ایده اش را بنا کرد و نقشه اجرای انرا طرح کرد تمام تصویر را در ذهن خود نگه داشت.

او زندگی به روش صحیح را شروع کرد و به سوی آنچه می خواست حرکت کرد.

او حالا مالک خانه اش است و آنرا به صورتی که در ذهن خود ساخته بود بازسازی کرده است و حالا با یک تفکر بزرگتر دارد به سوی دریافت چیزهای بیشتر گام بر می دارد.

این برای او از خلال خواسته اش رخ داد و می تواند برای شما و دیگران و در واقع برای همه رخ دهد.

فصل هفتم:

قدردانی و شکر گذاری

عقیده ای که در فصل گذشته مطرح شد باعث می شود خواننده بیندیشد که اولین پله بسوی ثروتمند شدن پرداختن به تصور آن چیزی که می خواهد است در ذهن و سپس القا کردن آن به انرژی هوشمند.

این امر درست است و شما می بینید که در عمل نیز کاملاً به خودتان بستگی دارد که بصورت یک مسیر هماهنگ برای ماده هوشمند عمل کنید.

برای نگه داشتن این رابطه هماهنگ یک راه اولیه و حیاتی وجود دارد که بسیار مهم است و من در این فصل به این موضوع پرداخته ام و به شما نشان می دهم که کدام مسیر است که اگر کاملاً صحیح از آن پیروی کنید توسط لطف خداوند فکر درست را برای شما به ارمغان می آورد.

تمام مسیر تنظیم ذهنی و اصلاح ذهن می تواند در یک کلمه خلاصه شود: شکرگذاری.

در ابتدا شما باور می کنید که یک ماده هوشمند وجود دارد که همه چیز در جهان از آن ساخته شده است... دوم شما باور دارید که این ماده هر آنچه را که تصور کنید به شما خواهد داد و اما سوم: شما خود را با آن نیرو بوسیله احساس عمیق شکرگذاری مرتبط می کنید.

بسیاری از افراد که زندگیشان را در مسیر صحیح می اندازند در جنبه های زیادی از زندگیشان در فقر و تنگدستی بسر می برند و علت آن عدم شکرگذاری یا شکرگذاری اندک از جانب آنهاست زمانی که هدیه ای از جانب خداوند دریافت می کنند. این افراد مسیری را که آنها را به خداوند متصل نگه می دارد با نادانی خود مسدود می کنند.

درک آن آسان است که با شکرگذاری از سلامت و سلامتی بیشتری پیدا می کنیم و اینکه روح همواره زندگی شگفت انگیزتری در تماس با خداوند دارد نسبت به کسی که هرگز به خداوند توجه ندارد و از او شکرگذار نیست.

بیشترین زمانی که ما ذهن خود را روی شکرگذاری متمرکز میکنیم زمانی است که چیزی را دریافت می کنیم. این زمانی است که چیزهای خوب بیشتری را می توانیم دریافت کنیم و آنها با سرعت بیشتری به سوی ما می آیند.

دلیلش این است که ذهن شکرگذار تصاویرش از به حقیقت پیوستن دعاهايش نزدیکتر و حقیقی تر است.

اگر این فکر برای شما جدید است که شکرگذاری ذهن را به سوی هماهنگی بیشتر با انرژی خلاق کائنات می برد. پس آنرا خوب درک کنید و خواهید دید که این حقیقت است.

چیزهای خوبی که شما می خواهید صاحب آن باشید باید از راه قانون خلاق بدست شما برسند و شکرگذاری ذهن شما را از تفکر در مورد راه رسیدن به خواسته ها و امکان پذیر بودن یا نبودن

آن خارج می کند و شما را در هماهنگی بیشتری با فکر خلاق نگه می دارد و شما را از افتادن در افکار رقابتی دور می کند.

شکرگذاری به تنهایی شما را وادار میکند به همه چیز بنگرید و شما را از اندیشیدن به محدودیت باز میدارد و با این کار است که شما به آرزوهایتان دست می یابید.

یک قانون برای شکرگذاری وجود دارد و این بسیار مهم است که شما به این قانون احترام بگذارید و آنرا محترم بشمارید ..اگر که خواهان بدست آوردن نتیجه دلخواهتان هستید.

قانون اصلی شکرگذاری آن است که عمل و عکس العمل همواره مساوی و در خلاف جهت همدیگر هستند.

ذهن شکرگذار باعث میشود که در فشارهای زندگی که شما را از خواسته هایتان دور نگه میدارد شما آزاد وگشاده باشید و عکس العمل آن اینست که ثروتی که به شما وعده داده شده است حرکت شگفت انگیزی را به سوی شما آغاز می کند.

"شب را از سوی خداوند بکشید و خداوند انرا از سوی شما می کشد"

این یک حقیقت روان شناسانه است. اگر شما قویا و عمیقا شکرگذار باشید عکس العمل ماده بی شکل قوی و ادامه دار خواهد بود و حرکت آنچه می خواهید همواره بسوی شما خواهد بود.

به نکته بزرگی که عیسی مسیح همواره می فرمود دقت کنید:

"من خدای بزرگ را همواره سپاس می گویم که او شنواترین به من است"

شما نمی توانید کار زیادی بدون شکرگذاری انجام دهید زیرا شکرگذاری است که شما را متصل به قدرت نگه میدارد.

یک بار یا چند بار شکرگذاری شما را از شکرگذاری در آینده بی نیاز نمی کند. بدون شکرگذاری کردن شما نمی توانید فکری را که آرزوهایتان را به سوی شما می آورد به مدت طولانی در ذهنتان نگه دارید.

زمانی که شما ذهن خود را بر نداشته هایتان متمرکز کنید موقعیت را از دست می دهید.

شما ذهنتان را روی چیزهای متداول متمرکز می کنید. روی فقر و معنایش و بنابراین ذهن شما شکل آنها را به خود می گیرد. شما این فکرها را به ماده بی شکل منتقل میکنید و روزمرگی و فقر به سوی شما می آیند.

برای نجات دادن ذهنتان از تنزل باید ذهنتان را از چیزهای نازل منحرف کنید. به بیانی دیگر با متمرکز کردن ذهنتان روی بهترینها ، بهترینها را برای خود پیش می آورید.

قدرت ذهن و درون ما بسوی چیزی می رود که ذهن ما روی آن متمرکز شده است.

ما ماده ای متفکر هستیم و ماده ای متفکر همواره شکل آن چیزی را می پذیرد که راجع به آن می اندیشد.

ذهنی گسترده است که کاملاً روی بهترینها متمرکز شده . حتی اگر لازم باشد به بهترین تبدیل شود او شکل و خصوصیات بهترین را می پذیرد و خود به بهترین می رسد.

نعمت از شکرگذاری زاده می شود. ذهن گسترده بطور مداوم چیزهای خوب را بسوی خود می کشد و بهترینها را بدست می آورد.

نتیجه شکرگذاری در یک ذهن خلق نعمت است و تمام موجهای عظیم شکرگذاری دلیل نعمت هستند.

هر کدام از ما که ذهن شکرگذار نداشته باشیم نمی توانیم یک ذهن غنی از نعمات را تجربه کنیم و بدون نعمات شما نمی توانید از طریق ذهن خلاق ثروتمند شوید.

همانگونه که ما در فصل بعد خواهیم دید مهم است که عادت داشته باشیم برای تمام چیزهای خوبی که به سمت ما می آیند و برای همه چیز شکرگذار باشیم.

برای آنکه هر آنچه به سویتان می آید در مسیر تکامل باشد باید برای همه چیز شکرگذار باشید. وقت خود را برای فکر کردن و صحبت کردن در مورد کاستی ها و اعمال و واکنش های نادرست هدر ندهید.

تمام آنچه را که اشتباه می پندارید اتفاقا به نفع شماست و از طریق همانها نعمات واقعی بسوی شما می آیند.

در مقابل سیاستمداران فاسد لا قید نباشید زیرا در این صورت بی نظمی به وجود می آید. خداوند برای ما کار می کند و کار او به دقت است و از راهی به ما می رساند که همگی متعجب می شویم. خداوند کار خود را خوب بلد است.

این اولین و آخرین باری نیست که خداوند این کار را انجام می دهد. به قدرت او اعتماد کنید. خداوند کاستی ها را هدایت می کند و هر ناراستی ساقط می شود. اما همه چیز در زمان خویش....منتظر باشید.

به خاطر داشته باشید که همه چیز در دنیا دست به دست هم می دهند تا مسیر رسیدن شما به خواسته تان را هموار کند.

پس به همه چیز با شگفتی بنگرید.

این شما را بسوی روابطی هماهنگ با خداوند در همه چیز هدایت می کند و خداوند با همه چیز به سوی شما حرکت می کند.

فصل ششم:

روش صحیح اندیشیدن

با بازگشت مجدد به فصل ۶ و خواندن داستان مردی که تصویر خانه مورد علاقه اش را در ذهنش شکل داد شما ایده آلی جادویی را دریافت می کنید که پله های اساسی بسوی دریافت ثروت است.

شما باید یک تصویر واضح و کامل از آنچه می خواهید در ذهن خود بسازید . شما نمی توانید یک نظریه را تبدیل به واقعیت کنید پیش از آنکه خود صاحب ان باشید. شما باید صاحب چیزی باشید تا بتوانید آنرا به دیگری هدیه کنید.

بسیاری از مردم نمی توانند به ماده متفکر فشار وارد کنند و علت آن اینست که خودشان تنها یک خیال و تصور واهی و مبهم از آنچه که می خواهند دارند و نیز شناخت واقعی از آنچه می خواهند انجام دهند و آنچه می خواهند اتفاق بیفتد ندارند.

این کافی نیست که شما یک تصور کلی برای توانگری داشته باشید " همه چیز خوب باشد "

این یک تصور کلی است که هر کسی در ذهن خود دارد.

این کافی نیست که شما آرزوی سفر کردن...دیدن چیزها...زندگی بیشتر و وسیع تر...و...را داشته باشید.

هر کسی این خواستها و تصورات را دارد.

اگر شما می خواهید یک پیام تلگراف برای دوستان بفرستید مطمئناً فقط حروف الفبا را نمی فرستید که او خودش از بین آنها پیام لازم را استخراج کند و نیز شما کلمات را هرگز بطور اتفاقی از فرهنگ لغت پیدا نمی کنید که برایش بفرستید.

شما باید جملات کامل و صحیح را بفرستید تا معنی دلخواه شما را به او برساند.

زمانی که شما تلاش می کنید خواسته خود را به ماده و انرژی

القا کنید به خاطر داشته باشید باید اینکار بوسیله یک روش واضح انجام پذیرد.

شما باید بدانید چه می خواهید و نیز از آن مطمئن باشید.

شما هرگز نمی توانید ثروتمند شوید و با نیروی خلاقان کار کنید اگر که تصورات واهی و پیامهای شکل نگرفته بفرستید.

تصورات خود را پیگیری کنید همانند مردی که برایتان شرح دادم و به خانه دلخواهش رسید.

دقیقاً همان چیزی را که می خواهید ببینید و یک تصور واضح از آرزوی خود بسازید که وقتی می خواهید بدستش بیاورید آنرا ببینید.

آن تصویر ذهنی واضح باید بطور مداوم در ذهن تکرار شود..همانند کاپیتانی که در ذهن خود راه به سوی مکانی که کشتی را می خواهد به آن سمت هدایت کند را دارد.

شما باید همواره ذهن خود را بر آن متمرکز کنید.

شما هرگز نباید مسیر به سوی خواستتان را گم کنید... همانند یک کاپیتان ماهر که مسیر کشتی اش را هرگز گم نمی کند.

لازم نیست که تمرین برای تمرکز را بطور مداوم انجام دهید یا زمانهای متمادی گوشه ای بنشینید و دعا کنید و روی آن تاکید کنید... یا اینکه سکوت اختیار کنید و یا نذر پنهانی انجام دهید.

این کارها به اندازه کافی خوب هستند اما تنها چیزی که شما نیاز دارید اینست که بدانید چه می خواهید و آنرا به اندازه واضح بخواهید تا در فکر شما جایگزین شود.

بیشتر وقت خود را تا جایی که می توانید روی طراحی کردن تصویر ذهنی خود بگذارید.

هیچ کسی نیاز به تمرین نگه داشتن ذهن خود را روی چیزی که واقعا می خواهد را حس نمی کند.

این کاری است که شما واقعا انجام نمی دهید و لازم است که مراقبت و توجه کنید که ذهن خود را روی آرزوهایتان متمرکز کنید.

چنانچه شما بخواهید ثروتمند شوید پس آن تصور آنقدر قوی است که در فکر شما نگه داشته شود و به حالتی باشد که باعث شود یک پل مغناطیسی آنرا نگه دارد. این امر به سختی میسر است مگر آنکه شما سعی کنید از دستورات و اطلاعات ارائه شده در این کتاب استفاده کنید.

متمدهای بدست آوردن ثروت که ذکر شد روشهای محکم و قاطعی هستند و در کسانی کارایی دارند که تصور می کنند و ثروت را به ذهنشان می آورند و روی بدست آوردن نیروی ذهنی و حس عشق تمرکز می کنند و آن نیروها را وادار می کنند که برایشان کار کنند.

سعی کنید هرچه بیشتر تصور واضح و مشخص خود را بسازید .

انگاه هرچه بیشتر به ان بچسبید و تمام اجزا آنرا تصور کنید.....هرچه تصور شما قویتر باشد آسانتر در ذهن شما جایگزین می شود.

چیزی بیش از تصویر آنچه که می خواهید برای شما مورد نیاز است که تصویر شما آشکار شود.

اگر شما فقط تصاویر را در ذهن خود نگه داریدشما فقط یک رویا پرداز هستید!

پس نیروی کمی برای ظهور آرزوهایتان دارید یا اینکه در واقع اصلا نیرویی ندارید.

پشت تصویر واضح ذهنی شما باید قصد و نیت درک آن وجود داشته باشد. باید آنرا بصورت یک تجلی قابل لمس بدانید.

باید پشت این درخواست یک اعتقاد شکست ناپذیر وجود داشته باشد که این خواسته هم اکنون نیز مال شماست.

حس کنید که آن در دستان شماست و شما باید تنها مالکیت آنرا از آن خود کنید.

در ذهن خود در خانه جدیدتان زندگی کنید....تا زمانی که در اطراف شما بطور واقعی شکل بگیرد.

در حقیقت در ذهنتان وارد یک لذت از داشتن چیزهایی شوید که هم اکنون می خواهید.

" هر گاه برای چیزی از درگاه خداوند درخواست می کنید وایمان داشته باشید که آن را دریافت کرده اید...بدانید که آنرا دریافت خواهید کرد"

(مسیح مقدس)

همواره چیزی را که می خواهید طوری ببینید که انگار هم اینک در اطراف شماست . خود را مالک آنها و در حال استفاده کردن از آنها ببینید. در صورتان شروع به استفاده از آنها کنید همانگونه که اگر آنها واقعی و ملموس باشند از آنها استفاده خواهید کرد.

تصویر ذهنی خود را نگه دارید تا زمانی که برای شما شفاف و واضح است و سپس هیجانات ذهنی ای را که دارا بودن آنها به شما می دهد را در وجودتان احساس کنید.

در ذهن خود با تمام ایمان آنرا درک کنید که هم اینک دارای آن هستید. این دارایی ذهنی خود را حفظ کنید و هیچ شکی به ایمان خود راه ندهیدطبیعی است که شک کنید اما به آن توجهی نشان ندهید.

آنچه را که در فصل گذشته در مورد شکرگزاری گفته شد به خاطر داشته باشد ...برای خواسته تان همواره شکرگزار باشید تا زمانی که آنرا با موفقیت بدست آورید.

کسی که با کمال احترام و از خلوص دل از خداوند تشکر کند برای هر آنچه که هم اینک مالک آن است و هرآنچه که تصور خود مالک استواقعا ایمان دارد.

او ثروتمند خواهد شد...او به هر آنچه که بخواهد دست خواهد یافت.

شما لازم نیست که مدام برای چیزی که می خواهید دعا کنید. لازم نیست که هر روز راجع به آن با خداوند راز و نیاز کنید.

"وردها و ادعیه بی معنی را مانند نادانان مدام تکرار نکنید"

(مسیح مقدس)

" خداوند پیش از آنکه نیاز خود را بطلبید از آن آگاه است "

(عیسی مسیح)

کار شما اینست که با هوشیاری تصویر ذهنی خود را شکل دهید .

تصویر از چیزهایی که برایتان زندگی طولانی تری به ارمغان می آورند و زندگی ای پربارتر....آن تصویر را بطور واضح در ذهن نگه دارید...سپس آن تصویر کامل را به ماده بی شکل جهان هستی که قدرت برآورده کردن آنچه را می خواهید دارد..تلقین کنید.

شما این پروسه را با تکرار مداوم آنچه می خواهید انجام نمی دهید...بلکه شما این کار را با نگه داشتن تصویر بدون لرزش قصد و نیت خود و توجه به آنچه که انجام می دهید و یک ایمان مستحکم که باعث موفقیت شما می شود..انجام می دهید.

پاسخ به فرد دعا کننده مطابق با ایمانش خواهد بود. زمانی سخن شما همسو با ایمان شما خواهد بود که به آن عمل کنید.

شما نمی توانید چیزی را به ذهن خداوند با معتکف شدن تحمیل کنید....نمی توانید به او بگویید چه می خواهید سپس او را فراموش کنید و دیگر دعا نکنید....یا اینکه وقتی به خواسته تان رسیدید دیگر او را فراموش کنید.

شما نمی توانید چیزی را به خداوند تحمیل کنید...به خلوت و دعا بروید و سپس بعد آن ساعات آنچه را که در ذهنتان است فراموش کنید و دوباره هنگام دعا آنرا به خاطر بیاورید.

دعای زبانی خوب است و به اندازه کافی نتیجه خاص خودش را می دهد اما تا زمانی که تصویر ذهنی خود را نگه دارید و ایمان خود را حفظ کنید جوابگو خواهد بود....اما بدانید که این سخن و کلام شما نیست که آنچه را می خواهید در اختیار شما قرار می دهد.

برای ثروتمند شدن شما نیازی به دعای کلامی ندارید...بر عکس شما نیازمند دعای بدون کلام هستید.

این دعای همراه با نگه داشتن تصویر ذهنی است با این قصد و نیت که مجسم شود و با ایمان به اینکه اتفاق خواهد افتاد.

" باور کنید که دریافتش خواهید کرد "

دلیل آنچه که باعث دریافت می شود تنها تا زمانی با شماست که تصویر ذهن خود را نگه می دارید.

زمانی که به آن شکل می دهید...اما خوب است که با دعای کلامی تکمیل شود..مستحکم شود و سپس بعد از آن دقایق دیگر شما باید در ذهن خویش آنچه را که خواسته اید دریافت شده تلقی کنید.

زندگی در خانه ای جدید...پوشیدن لباسهای خوب...صاحب اتومبیل بودن...رفتن به سفر و تعطیلات.....و نقشه برای سفرهای بزرگتر و بهتر.....

فکر کنید و راجع به تمام چیزهایی که خواسته اید طوری صحبت کنید که انگار هم اینک مالک آنها هستید.

انها را تصور کنید و محیط و امکاناتشان را فراهم کنید...همانگونه که خواهانشان هستید و همواره در آن محیط و حال و هوای آنها زندگی کنید.

هر چند اینکار را همانند یک خیال پرداز و سازنده قصه های خیالی انجام ندهید...ایمان را حفظ کنید....انگار که هم اینک دریافتش کرده اید.

به خاطر داشته باشید ایمان و قصد و نیت است که با استفاده از تصویر سازی باعث تفاوت بین دانشمندان و رویاپردازان می شود. شما باید این حقیقت را بیاموزید تا بتوانید از آن استفاده کنید.

فصل نهم:

چگونه از " انشاءالله " یا لفظ " می شود " استفاده کنیم؟

برای ثروتمند شدن از طریق یک روش علمی شما سعی نمی کنید که قدرت لفظ (انشاءالله) خود را روی چیزی خارج از وجود خودتان متمرکز کنید...شما نباید این کار را انجام دهید..اصلاً!

این کار نادرستی است که شما خواسته خود را روی فرد دیگری برنامه ریزی کنید تا آنها را وادارید کاری را انجام دهند که شما دوست دارید....

این کاملاً اشتباه است که مردم را بوسیله نیروی ذهنی خود تحت فشار قرار دهید..این کار همانند این است که آنها را توسط نیروی جسمی خود تحت زور و فشار قرار دهید.

اگر شما مردم را توسط نیروی جسمی خود تحت فشار قرار دهید که کاری را برای شما انجام دهند آنها را تبدیل به برده خود کرده اید....تحت فشار قرار دادن ذهنی افراد نیز دقیقا همانند همین است...تنها فرق آن اینست که روش متفاوتی دارد. اگر از مردم چیزی را بوسیله نیروی فیزیکی خود به زور دریافت کنید اینکار سرقت محسوب می شود و گرفتن چیزی از آنها بوسیله فشار نیروهای ذهنی هم دزدی است. در اصل هیچ تفاوتی نمی کند.

شما حق ندارید قدرت خواسته خود را روی افراد دیگر بکار بگیرید...حتی برای صلاح خودشان! چون شما نمی دانید واقعا چه چیزی به صلاحشان است.

علم ثروتمند شدن به شما اجازه نمی دهد که از قدرتتان برای تحت فشار قرار دادن فرد دیگری استفاده کنید...حالا در هر روش و هر راهی که می خواهد باشد.

در واقع هیچ نیازی برای انجام اینکار وجود ندارد...بر عکس هر فشاری که با نیروی ذهنتان به کسی وارد می کنید شما را از خواسته تان دورتر می کند.

شما نباید خواسته خود را روی اجسام و افراد بیندازید که با فرمان شما بسویتان بیایند. این کار به سادگی مانند آن است که به خداوند فرمان بدهید.

اینکار احمقانه..بی فایده و همینطور بی حرمتی است.

شما لازم نیست خداوند را مجبور کنید که چیزهای خوب را به شما بدهد. همانطور که لازم نیست نیروی ذهن خود را مصرف کنید و فشار وارد کنید تا خورشید طلوع کند!

شما مجبور نیستید نیروی خواسته خود را روی یک نیروی خدایی غلبه دهید یا یک نیروی خودسر و یاغی را بخواهید که خواسته شما را به سر انجام برساند.

ماده اولیه جهان هستی با شما در روابط دوستانه است و بیش از شما مشتاق است که آنچه را می خواهید به شما بدهد.

برای ثروتمند شدن لازم است که شما نیروی خواسته تان را روی خودتان متمرکز کنید.

زمانی که شما بدانید به چه فکر کنید و چه کاری انجام دهید و از چه استفاده کنید باید قدرت خواسته تان را روی خودتان متمرکز کنید تا بتوانید به روش صحیح فکر و عمل کنید و از آنها استفاده کنید تا شما را در مسیری صحیح قرار دهند.

از قدرت خواسته خود استفاده کنید تا خود را در مسیر فکر و عمل درست قرار دهید. سعی نکنید خواسته و افکار خود را و یا ذهنتان را به فضا فرافکنی کنید تا روی مردم و چیزها کار کند.

ذهن خود را در خانه نگه دارید! زیرا آنجا بهتر از هر جای دیگری می تواند عمل کند.

از ذهن خود برای شکل دادن به یک تصویر ذهنی از آنچه می خواهید و به نگه داشتن آن تصویر با ایمان و اطمینان استفاده کنید.

قدرت خود را برای کار کرد ذهنتان در مسیر درست و ایستادگی بیشتر و ادامه ایمان و اطمینان خود بکار ببرید.

این امر شما را سریعتر ثروتمند می کند برای اینکه فقط فشار مثبت به ماده وارد می کنید و شما ان را با نیروی منفی ذهن خود خنثی نمی کنید.

تصویر ذهنی شما که با ایمان و اطمینان نگه داشته اید توسط ماده بی شکل گرفته شده و به نیروی عظیم کائنات عرضه می شود که آن بزرگتر است از هر آنچه که من می شناسم.

اگر این فشار ظاهر شود تمام چیزهای درست بطرف مبدا ان فشار به حرکت در می آیند...تمام چیزهای زنده...تمام چیزهای بی همتا و حتی چیزهایی که هنوز خلق نشده اند و همگی آنها جمع آوری می شوند تا آنچه را شما خواسته اید بوجود بیاورند.

تمام فشارها بصورت صحیح ان شروع به فعالیت می کنند تا همه چیز به سوی شما حرکت کند. ذهن افراد از همه جا و همه سو ترغیب می شود به سوی انجام کارهایی که برای برآورده کردن خواسته شما لازم است.

همه چیز بطور غیر محسوس برای شما کار خواهد کرد.

اما شما همه اینها را با وارد آوردن فشار منفی روی ماده بی شکل عوض خواهید کرد. عدم باور این حقیقت باعث حرکت همه چیز دور از شما خواهد شد. همان گونه که ایمان و اطمینان حرکت به سوی شما را باعث می شود.

با عدم درک این اصل اکثر افراد راه به خطا برده اند.

تمام ساعاتی را که شما در ترس و عدم اطمینان بسر می برید...تمام ساعاتی را که در نگرانی سپری می کنید...تمام ساعاتی را که روح شما در بی اعتقادی و ناباوری به سر می برد باعث می شوند که شما از نیروی ماده متفکر دور شوید.

تمام قولهایی که از طرف خداوند به نوع بشر داده شده بر پایه ایمان و باور راستین استوار است.

بینید که چه جالب بارها و بارها "**حضرت مسیح**" نکته هایی را در مورد باور و ایمان بیان داشته اند و حال شما علت آن را متوجه می شوید.

تا جایی که تمام اهمیت روی اعتقاد و باور است.

شاید شما تصور کنید که باید در مقابل افکار خود مقاومت کنید...اما این تا زمانی است که باور شما شکل گرفته باشد. پس محکم روی خواسته تان بایستید و به آن بیندیشید.

این مهم است که شما توجه خود را تحت نظر بگیرید و رهبری کنید.

اینجاست که قدرت خواسته به سوی شما می آید و بوسیله قدرت خواسته تان است که شما باعث می شوید نیروهایتان و تمرکزتان روی آنچه که باید متمرکز شود.

اگر می خواهید ثروتمند شوید نباید راجع به فقر اطلاعات بگیرید و بیاموزید...هیچ چیزی با فکر کردن به متضادش بدست نمی آید.

سلامت هرگز با فکر کردن به بیماری و آموختن راجع به آن بدست نمی آید.

زندگی پاکدامنه با آموزش در مورد گناه و فکر کردن در مورد گناه بدست نمی آید.

هیچ کسی با آموختن در رابطه با فقر و اندیشیدن به فقر ثروتمند نخواهد شد.

پزشکی ای که برپایه علم بیماریها باشد باعث افزایش بیماری خواهد شد.

دین اگر بعنوان علم "شناخت گناه" باشد باعث افزایش میزان گناه در جامعه خواهد شد.

اقتصاد بعنوان علم آموختن در مورد فقر..جهان را به کام فقر می فرستد.

در مورد فقر صحبت نکنید. درباره آن بحث نکنید.خود را با آن و حواشی اش درگیر نسازید.

هرگز فکر نکنید که چه چیزی باعث فقر می شود. شما نمی توانید کاری با آن بکنید. آنچه شما را

علاقمند کند و علاقه شما را به سمت خود جذب کند برایتان اتفاق خواهد افتاد.

وقت خود را روی کارهای عبث هدر ندهید.

بحث کردن در مورد هر چیزی سبب بوجود آمدن آن می شود.

من نمی گویم که شما باید بی رحم و نامهربان باشید و نیازهای مردم و ناله های آنها را نشنوید...بحث من اینست که نباید فقر را مورد بررسی و مطالعه قرار دهید...از هیچ راهی! اگر فقر پشت سر شما باشد هر آنچه که قدرت دارد پشت سر شما جا می گذارد و این باعث بوجود آمدن خوبی روبروی شما می شود.

ثروتمند شوید! این بهترین راهی است که می توانید به فقرا هم کمک کنید! شما نمی توانید تصویر ذهنی ثروت را داشته باشید و آنرا نگه دارید اگر ذهن خود را روی تصویر فقر متمرکز کنید.

اسنادی را که راجع به فقر..نداری..کار اطفال...و...منتشر می شوند را مطالعه نکنید.

مطالبی که ذهن شما را بسوی فقر و نداری می کشانند را نخوانید.

شما با دانستن اینها هیچ کمکی به فقرا و ریشه کن شدن فقر نخواهید کرد.

دانش جهانی نیز هیچ کمکی برای نجات فقرا از این طریق نخواهد توانست انجام دهد.

کاری که برای فرار از فقر لازم است انجام دهیم این نیست که تصویری از نداری به ذهن خودمان بدهیم بلکه باید تصویر توانگری را به ذهن فقرا القا کنیم.

شما با نگه داشتن ذهنتان روی تصویر بدبختی و فقر فقرا نمی توانید آنها را نجات دهید.

فقر با ازدیاد افرادی که به آن می اندیشند از بین نمی رود...بلکه با ازدیاد افرادی که به ثروت می اندیشند و به افکار خود ایمان راسخ دارند ریشه کن خواهد شد.

فقرا نیاز به صدقه و خیرات ندارند! بلکه نیاز اصلی آنها اندیشه خوب و الهام بخش است.

صدقه ممکن است به آنها تکه نانی برای زنده نگه داشتنشان در فقر یا امکانی برای فراموشی موقتی بدبختی شان تا یکی دو ساعت بدهد....اما یک فکر خوب و الهام بخش می تواند باعث شود که آنها راهی برای ترقی و نجات از حالت فقر خود بیابند.

اگر شما می خواهید فقری را کمک کنید راههای ثروتمند شدن را بیابید و به آنها نیز آموزش دهید تا به کمک کار و تلاش موثر خویش از فقر نجات یابند.

تنها راهی که می توان فقر را برای همیشه ریشه کن کرد گسترش این نوع آموزشها و ارتقا افرادی است که آنها را آموخته اند.

افراد نوع بشر باید حقیقتا به ثروتمند شدن از راه صحیح فکر کنند نه مسابقه و رقابت با دیگر افراد.

هر کسی که از راه رقابت و ناصحیح ثروتمند شده نردبان ترقی اش را پشت سر خود پایین انداخته تا دیگران نتوانند از طریق آن صعود کنند...اما کسانی که از راه صحیح و شرافتمند ثروت بدست آورده اند و توانگر شده اند راه را برای هزاران نفر باز می کنند تا از آنها پیروی کنند و آنها را نیز تشویق می کنند تا ترقی کنند و به ثروت و توانگری دست یابند.

شما هیچ لطفی به فقرا نمی کنید اگر که تنها راجع به بدبختی شان احساسات بخرج دهید..راجع به فقر بخوانید و اطلاعات و آمار جمع کنید یا اینکه فقط راجع به فقر سخن بگویید و به سخنرانی های در باب آن گوش فرا دهید.

تمرکز خود را روی فقر خاموش کنید!

قدرت خواسته خود را روی تمرکز با ایمان و اعتقاد بر تصویری که از زندگی خود و جهان می خواهید روشن نگه دارید!

فصل دهم:

استفاده های بیشتر از لفظ می شود (انشالله)

شما نمی توانید بر یک تصویر واقعی و شفاف از توانگری متمرکز باقی بمانید اگر که توجه خود را روی تصاویر متضاد آن نگه دارید... هر چند که آنها وجود خارجی داشته و تظاهر واقعی یافته باشند.

از مشکلات گذشته خود بعنوان یک طبیعت وابسته به خودتان صحبت نکنید!

حالا که آنها را پشت سر گذاشته اید!

اصلا به آنها فکر نکنید!

در مورد فقر والدین خود یا از سختی های دوران کودکی تان مدام صحبت نکنید!

این اعمال کلاس ذهنی شما را در حد فقر و ناتوانی نگه می دارد و در زمان حال باعث حرکت مستقیم همینها به سمت شما می شود.

" بگذارید مردگان.. خودشان مردگان را دفن کنند "

(عیسی مسیح)

شما با یک نظریه صحیح در مورد کائنات موافقت کرده اید و تمام آرزوهای خود در مورد خوشبختی را روی صحت آن پایه ریزی کرده اید... پس چرا دیگر به نظریه های منسوخ شده توجه نشان می دهید؟؟؟!!!

کتابهایی که می گویند جهان به زودی به پایان می رسد و جهان به سمت شیطان می رود را اصلاً نخوانید!

جهان همواره به سوی خدا می رود

این یک شروع شگفت انگیز است!

درست است که ممکن است چیزهای خوب زیادی از موقعیتهای مخالف استخراج شوند... اما واقعا از آنها چقدر می آموزیم وقتی که تمام شده اند... و این آموختن چقدر سودمند خواهد بود وقتی که باعث شود همواره آن گذشته با ما بماند؟؟؟!!!

چرا زمان خود را بیهوده صرف توجه به چیزهایی بکنیم که تمام شده اند آنهم زمانی که می دانیم تمام شده اند و دیگر کاری برای تغییر آن گذشته از دست ما ساخته نیست؟؟؟!!!

هرگز به این موضوع توجه نکنید که چقدر وحشتناک می شود اگر آن موقعیت در حال حاضر تکرار شود.

با این کار شما نه تنها وقت خود را هدر می دهید... بلکه شانسهای خود را هم خراب می کنید و از دست می دهید.

شما باید به جهانی فکر کنید که به سمت ثروت و خوبی پیش می رود

به این جهان بیندیشید به جای آنکه به فقر و مشکلاتی که با آن بزرگ شده اید بیندیشید.

در ذهنتان فرو کنید که تنها راه برای رهبری جهان به سوی ثروت و توانگری این است که شما و همه توسط روشهای خلاق ثروتمند شوند... نه به شیوه روشهای رقابتی.

توجه خود را کاملاً به سمت ثروت معطوف کنید.

فقر را انکار کنید. هر موقع درباره افراد فقیر فکر و صحبت می کنید طوری بیندیشید و بیان کنید که گویی دارند کم کم ثروتمند می شوند.... برای مهربانی بیشتر جشن برپا کنید... به این طریق آنها فضای بوجود آمده را از طریق شما دریافت می کنند و برای بدست آوردن توانگری بیشتر و راهای آن تلاش خواهند کرد.

امید و امیدواری را در جهان پیرامون خود گسترش دهید.

تنها به همین علت بود که من گفتم شما باید تمام وقت.. ذهن و فکر خود را روی ثروت متمرکز کنید.

من نمی خواستم به شما این فکر را تلقین کنم که در برابر دیگران پست و فرومایه و بی تفاوت باشید.

توانگری حقیقی و از راه صحیح باید هدف اصلی شما در زندگی باشد و به دنبال آن خوبی های دیگر نیز می آیند.

در نقشه ها و روشهای رقابتی کوشش برای دستیابی به ثروت امری الهی نیست... زیرا به مردمان دیگر فشار وارد می کند.

اما زمانی که ما به ذهنی خلاق تبدیل می شویم تمامی اینها تغییر می کند.

در راههای خلاق فرد از طریق بزرگمنش و الهی ثروتمند می شود.

اگر شما حتی وضعیت سلامتی جسمی خوبی ندارید با همین روش می توانید به آن دست یابید. تنها کسانی که خود را از وحشت مرگ خلاص می کنند و کسانی که زندگی ای خالی از نگرانی دارند و توصیه های بهداشتی را رعایت می کنند می توانند سلامت باشند و سلامت زندگی کنند. رشد روحی و معنوی تنها برای کسانی مقدور است که بالاتر از سطح زندگی رقابتی باشند و آنها کسانی هستند که به روشهای خلاق و منحصر به فرد خودشان زندگی می کنند. اگر قلب شما روی شادمانی تمرکز یافت و باور کردید که عشق در نقش بهترین دارو و شفا بخش است... اگر شما تفکری برتر و رها از قید و بندها داشتید... اینها تفکر خلاق است.

بدون جنگ و نزاع شما می توانید به اهداف بزرگ و مقدس خود دست یابید.

من تکرار می کنم: برای توانگر شدن شما باید توجه خود را روی تصویر ذهنی آنچه که می خواهید متمرکز کنید نه روی آن چیزی که شما را از تصویر و هدفتان دور می کند.

شما باید بیاموزید که حقیقت نهفته در همه چیز را بنگرید.

شما باید تمامی موقعیتهای نادرست را رها کنید.

باید به سمت یک زندگی عظیم حرکت کنید و به سمت بالاترین و پربارترین تظاهر ها و شادی ها. حقیقت این است که فقر واقعا وجود ندارد. تنها چیزی که وجود دارد توانگری است. فقر در واقع همانا عدم وجود توانگری است!

بسیاری از افراد در فقر می مانند چرا که آنها باور دارند و نمی توانند باور کنند که توانگری می تواند برای آنها هم وجود داشته باشد.

بهترین راه برای القا این باور به آنها نشان دادن این حقایق در شخصیت و اعمال خود شماست.

گروهی دیگر فقیرند زیرا فکر می کنند که راهی نیست. آنها از لحاظ ذهنی بسیار ضعیفتر از آن هستند که راه را درک کنند و مسیر سفر در آن را بیابند.

برای این افراد تنها کاری که می توانید انجام دهید این است که شادی ای را که خودتان در اثر زندگی با قانون و توانگری حقیقی بدست آورده اید نشانشان دهید.

برخی افراد نیز به این علت فقیر مانده اند که هنگام آموختن دانش توانگری خود را در آموخته های متافیزیکی و مشاهداتی غرق کرده اند که تئوریهای غیر قابل درک به آنها ارائه می دهد. آنها مخلوطی از چند روش را بکار می برند و در همه آنها هم شکست می خورند!

کاری که برای این دسته می توانید انجام دهید اینست که راه صحیح خودتان و کارهایتان را به آنها نشان دهید.

"یک اونس * عمل از یک پوند * تئوری با ارزشتر است"

بهترین کاری که شما می توانید برای تمامی جهان انجام دهید این است که برای خودتان در حد نهایت مفید باشید!

شما با توانگر شدن خودتان می توانید به خدا و خلق خدا بیشتر خدمت کنید...البته اگر با روشهای خلاق ثروتمند شده باشید و نه بوسیله روشهای رقابتی.

و مسئله دیگر اینکه: ما گفتیم که این کتاب جزئیات اساسی در مورد دانش توانگری را در اختیار شما می گذارد.

پس اگر این گفته صحت داشته باشد نیازی نیست شما هزارتا کتاب درباره یک موضوع بخوانید!

این گفته شاید به نظرتان تنگ نظرانه و خودخواهانه جلوه کند... اما توجه کنید که در کل علوم متافیزیک نمی توانید روشهای خیلی زیادتر و مفیدتری درباره تصور و یا علم کاهش و افزایش بیابید.

هرچند می تواند هردوی اینها هم باشد اما فقط یک راه کوتاهترین روش برای تعادل برقرار کردن بین این دو قطب می باشد.

تنها یک راه صحیح برای اندیشیدن به سبک درست و علمی موجود است و آن راه ارائه شده بوسیله همین قانونهای طلایی و کوتاه و مستقیم است.

هیچ کسی تا کنون روشی مختصر و مفیدتر و ساده تر از آنچه پیش روی شماست بیان نکرده است!

این روش از تمامی آنچه غیر ضروری و اضافی بوده تهی شده است.

زمانی که شما به این روشها اعتماد و عمل کنید و روشهای دیگر را کنار بگذارید موفق می شوید. آنها را از ذهن خود دور بیندازید. هر روز این کتاب را بخوانید.. آنرا با خود حمل کنید... آنرا به حافظه بسپارید و به روشهای دیگر فکر نکنید. اگر چنین کنید به خطا می افتید و امواج غیر صحیح در ذهنتان ایجاد می شود.

بعد از زمانی که بدرستی قوانین را انجام دادید و توانگر شدید... شاید بتوانید روشهای دیگر را بیازمایید اگر علاقمند بودید. اما تا زمانی که کاملاً مطمئن نیستید که آنچه را که خواسته اید دریافت کرده اید هیچ چیز دیگری را جز در مسیر این کتاب نخوانید مگر کتابهایی که این کتاب را به بیان دیگر تایید کنند. تنها اخبار جهانی ای را بشنوید که مطابق با تصویر ذهنی شما باشد.

درگیر صوفیسم...روح گرایی یا آموزشهایی از این دست نشوید. این جالب است که مرده ها زنده و نزدیک هستند...اما آنها را تنها بگذارید و به حال خودشان!

به کار خودتان پردازید! آنها کارهای خودشان را دارند و مشکلات خودشان را باید حل کنند! صحیح نیست خودمان را با آنها درگیر کنیم! ما نمی توانیم به آنها کمک کنیم پس احمقانه است اگر فکر کنیم احضار ارواح به ما کمک می کند.....خودخواهانه است اگر وقت آنها را بگیریم! ارواح و مردگان را به حال خود بگذارید و مشکلات خودتان را حل کنید.....

توانگر شوید!

اگر شما با این مسایل درگیر شوید می تواند آرزوهای شما را به مسیر نادرستی هدایت کند.

این فصل و فصل ماقبل ما را به حقایق زیر می رساند:

ماده ای متفکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است. این ماده در حالت پایه خود در کاینات پراکنده و منتشر شده است و کل کاینات را فرا گرفته است.

تلقین و فشار یک فکر روی این ماده آنچه را در فکر او بوده ظاهر می کند.

افراد با این فکر می توانند اجسام را شکل دهند و با تزریق فکر خود به ماده بی شکل می توانند آنچه را که بدان می اندیشیده اند را خلق کنند.

برای انجام اینکار فرد باید از روشهای رقابتی کناره گیری کند و به سمت ذهن خلاق برود.

باید تصویر ذهنی شفاف‌تری از آنچه می‌خواهد خلق کند و این تصویر را در ذهن خود با این عقیده راسخ حفظ کند که آنچه را که خواسته دریافت کرده است و به ذهن خود این ترس را راه ندهد که اگر نشد چه؟

و به هر چه او را منحرف کند بی تفاوت باشد.

مضاف بر همه اینها ما هم اینک باید ببینیم که او چگونه باید در روشی صحیح زندگی و عمل کند.

فصلی از دهم:

صحیح عمل کردن

فکر کردن نیروی خلاق است و فشار اولیه‌ای که باعث می‌شود نیروی خلاق عمل کند. فکر کردن به روش صحیح ثروت را به سوی شما می‌آورد. اما شما نباید تنها فکر کنید و فقط به آن متکی باشید و به فعالیت شخصی توجهی نکنید.

این صخره زیر بنایی است که بسیاری از متفکران متافیزیک فراموش کرده‌اند و در مورد اتصال فکر با عمل فرد گمراه شده‌اند.

ما هنوز به آن پله از ترقی نرسیده ایم که در آن انسان می‌تواند از ماده بی‌شکل خلق مستقیم داشته باشد بدون دخالت و پروسه طبیعت یا کار دست انسان. انسان نباید فقط فکر کند عمل شخصی او نیز باید فکرش را حمایت کند.

با فکر کردن شما می توانید باعث بوجود آمدن طلا در اعماق کوهها شوید که به سوی شما اشاره می کند و چشمک می زند اما آن به خودی خود مال شما نیست. ذغال آنرا از تمام زاویه ها فرا گرفته است و نمی تواند خودش راه را به تنهایی ببیماید و به سمت شما حرکت کند. کار دست انسان است که باعث می شود شما به دریافت طلا نایل شوید و یا انسان دیگری بطور مستقیم می تواند طلا را به شما عرضه کند.

شما باید کارهایتان را طوری درست طراحی کنید که وقتی آنچه می خواهید به سمت شما می آید آنرا دریافت کنید.

فکر شما همه چیز راساخته و پرداخته است. همه چیز را طراحی کرده طوری که آنچه را خواسته اید برای شما بیاورد. اما کار فردی شما باید دقیقا طوری باشد که شما بدرستی بتوانید آنچه را که خواسته اید را وقتی که به شما رسید دریافت کنید.

شما با تبلی آنرا دریافت نخواهید کرد. شما با دزدی چیزی بدست نخواهید آورد. شما باید به هر کسی بیش از آنچه او به شما داده است در پاسخ پرداخت کنید.

استفاده علمی از تفکر باعث شکل گیری و شفاف سازی ماده اولیه برای ظهور خواسته شما می شود.

برای سرعت بخشیدن بر پروسه دریافت آنچه می خواهید باید ایمان فعال نشان دهید.

سعی نکنید فکرتان را به یک مسیر جادویی فرافکنی کنید... این کار اتلاف وقت است و نیروی شما را به خواب می برد و جلوی تفکر شما را می گیرد.

عمل فکر کردن برای ثروتمند شدن بطور کامل در فصلهای گذشته توضیح داده شد.

ایمان شما و تفکر مثبت شما به ماده بی شکل فشار وارد می کنند که نیرویی برای زندگی بیش از آنچه شما دارید را دارا هست و این تصویر از طرف شما دریافت شده است و تمام نیروهای خلاق را در مسیر صحیح خودشان وادار به کار می کند . اما این کار مستقیم به سوی شما و خواسته تان می باشد.

این کار شما نیست که نیروی خلاق را راهنمایی کنید یا به آن زور وارد کنید. تمام آنچه که باید با نیروی خلاق انجام دهید اینست که به تصور خود ادامه دهید به ایمان خود بچسبید و شکر گزاری را ادامه دهید.

اما شما باید در مسیری درست عمل کنید و در آن صورت است که شما می توانید آنچه را که به شما تعلق دارد وقتی از راه رسید دریافت کنید. آنگاه شما می توانید با آنچه در تصویر ذهنی خود ساخته اید روبرو شوید و آنها را وقتی رسیدند در مکان درستشان قرار دهید. شما حقیقتاً می توانید درستی آنها ببینید. زمانی که چیزها به شما رسیدند در دست فرد دیگری هستند کسی که برای آنها بهایی طلب می کند و شما تنها زمانی می توانید آنچه را که مال شماست از فردی دیگر بستانید که آنچه را که مال اوست به او بدهید.

جیب شما یک جیب جادویی نیست که بدون تلاش شما همواره پر از پول باشد.

این یک نکته تستی مهم در قانون توانگری است دقیقاً اینجاست که فکر و عمل فردی باید باهم ادغام شوند. افراد زیادی هستند که آگاهانه یا نا خودآگاه نیروی خلاق را بوسیله تفکر و تخیل مدام خود فعال می کنند اما همچنان فقیر می مانند به این علت که برای دریافت آنچه که می خواهند زمانی که می آید آماده نیستند.

با فکر کردن شما آنچه که می خواهید به سمتتان می آید ولی با عمل است که شما آنرا دریافت خواهید کرد.

هرگاه عملی به ذهنتان آمد آنرا هم اکنون انجام دهید . شما نمی توانید برای گذشته کاری بکنید و این یک اصل است که برای شفاف کردن تصویر ذهنی خود باید گذشته را فراموش کنید.

از طرفی شما نمی توانید در آینده هم عمل کنید به این دلیل که آینده فعلا اینجا نیست.

شما نمی توانید بگویید می خواهید در آینده چکار کنید تا وقتی که آن زمان نرسیده باشد.

بخاطر اینکه شما در شغل مناسب نیستید یا هم اکنون در مکان مناسب نیستید ناید تصور کنید که شما باید عمل را متوقف کنید تا زمانی که به شغل و محیط مناسب برسید.

وقت خود را به اندیشیدن برای اضطرارهای آینده هدر ندهید. به توانایی خود برای مقابله با ر اورژانسی و اتفاقی وقتی که از راه رسید ایمان داشته باشید.

اگر شما در زمان حال بر ذهنتان روی آینده کار کنید کاری که باید برای هم اکنون انجام دهید با ذهنی خوابیده خواهد بود و موثر واقع نخواهد شد.

تمام ذهن خود را به عمل در حال حاضر متمرکز کنید.

نیروی خود را به ماده اساسی منتقل نکنید که بعدش خودتان فقط منتظر نتیجه باشید. اگر چنین کنید هرگز آنها را بدست نخواهید آورد. هیچ زمانی بجز هم اینک موجود نخواهد بود و هرگز هم هیچ زمانی بجز حالا وجود ندارد.

اگر بخواهید که همواره برای دریافت آنچه می خواهید آماده باشید باید در حال حاضر زندگی کنید.

کار و عمل شما هر آنچه که باشد باید روی شغل و محیط فعلی تان متمرکز شود و باید روی مردم و چیزهایی برنامه ریزی شود که در زمان حال شما در اطرافتان هستند.

شما نمی توانید در جایی که نیستید کاری انجام دهید نمی توانید در جایی که قبلا بودید کاری انجام دهید و نیز نمی توانید در جایی که در آینده خواهید بود کاری بکنید.

شما تنها می توانید در جایی که هم اینک هستید کار انجام دهید. خود را به این امر مشغول نکنید که کاش دیروز فلان کار خوب انجام می شد یا اینکه کاش فردا فلان کار خوب انجام شود. کار امروز را خوب انجام بده.

سعی نکنید با نیروهای جادویی و نامریی روی مردم یا اجسامی که در محیط خارج از دسترس شما هستند کار کنید.

برای تغییر محیط صبر نکنید بلکه محیط را با عمل و کار خود تغییر دهید.

ایمان و اعتقاد به تصویر خود در محیطی بهتر داشته باشید اما از طریق محیط فعلی خود عمل کنید با تمام قلب و قدرت و ذهن خود.

وقت خود را در رویاهای روزانه و ساختن کاخ های رویایی هدر نکنید.

یک تصویر از آنچه می خواهید را بگیرید و هم اینک عمل کنید.

نگران کارهای جدیدی که باید انجام دهید یا مشکلات یا چیزهای غیر معمول یا کارهایی که تا بحال انجام نشده اند نباشید.

اولین قدم به سوی توانگری را شکل دهید . این بستگی به کارکرد شما دارد.

هم اینک زمانی است که دیروز منتظرش بودید.

شما اینجا هستید و در اکنون تا این کارها را در مسیر درست انجام دهید. این است که حقیقتاً شما را توانگر می سازد.

اگر شما درگیر شغلی هستید و احساس می کنید شغل دلخواه شما نیست صبر نکنید تا زمانی که به شغل درست و دلخواه برسید و سپس آنگاه دست به کار شوید.

احساس بی رغبتی نکنید یا اینکه یک گوشه ای بنشینید و دست روی دست بگذارید چون در مکان غلط هستید.

هیچ فردی همواره در مکان نادرست نمی ماند مگر آنکه نتواند راهش را پیدا کند و هیچ کس همواره درگیر شغل نادرست نخواهد بود بلکه می تواند به شغل دلخواهش دست یابد.

خود را در شغل دلخواه تصور کنید با اعتقاد به اینکه به آن دست می یابید و ایمان به اینکه به آن می رسید و در حال رسیدن به آن هستید اما در شغل فعلی خود کار کنید.

از شغل خود بعنوان دلیلی برای رسیدن به شغل بهتر استفاده کنید و از محیط فعلی خود بعنوان مفهومی برای رسیدن به بهترش استفاده کنید.

تصور شما از شغل دلخواه و درست اگر همواره با ایمان و اعتقاد راسخ باشد کاینات را به حرکت وا می دارد که شغل درست را به سوی شما بیاورد و عمل شما اگر صحیح باشد باعث می شود که شما به سمت کار دلخواهتان هدایت شوید.

اگر شما یک کارمند هستید و احساس می کنید که باید محل کار خود را تغییر دهید تا به آنچه که می خواهید برسید فکر خود را به محیط فرافکنی نکنید تا از آن بخواهید شغل دیگری به شما بدهد. این کار به شما جواب نمی دهد.

تصویر خود را از شغل درست در ذهنتان حفظ کنید تا زمانی که شما با ایمان و اعتقاد راسخ روی شغل فعلی خود کار می کنید حقیقتاً به شغلی که دلخواهتان است خواهید رسید.

تصویر و ایمان شما نیروی خلاق را به حرکت در خواهند آورد تا آنرا بسوی شما بیاورد و عمل شما فشار را روی محیط خودتان وارد می کند تا شما را به سمت مکانی که می خواهید هدایت کند.

با این فصل ما یک اصل دیگر به اصول خود افزودیم.

ماده ای متفکر وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است آن ماده در مکان اولیه اش گسترده می شود و مکان را در کاینات اشغال می کند. فکری روی این ماده باعث بوجود آمدن چیزهایی می شود که بوسیله فکر تصویر شده اند.

انسان می تواند اجسام را در فکر خود شکل دهد و با فشار آن فکر به ماده بی شکل باعث شود که آنچه او تفکر کرده است خلق شود. برای انجام اینکار انسان باید دست از رقابت بردارد و ذهنش را به سوی خلاقیت ببرد.

او باید یک تصویر ذهنی شفاف را شکل دهد از آنچه که می خواهد و این تصویر را در ذهن خود نگه دارد با یک اعتقاد راسخ به اینکه آنچه را که خواسته است را دریافت داشته است با ایمان مستحکم که آنچه را که می خواهد می گیرد.

از آنچه که ذهن و حواس او را از خواسته اش منحرف می کند اجتناب کند .

در صورتی او می تواند آنچه را که می خواهد دریافت کند که زمانی که آن از راه می رسد او در حال عمل کردن در زمان حال باشد روی مردم و چیزهایی که در حال حاضر در محیط موجود هستند.

فصل دوازدهم:

عمل موثر:

شما باید همانگونه که در فصلهای گذشته گفته شد فک خود را درست کنید و شروع کنید به انجام هر آنچه که می توانید در هر کجا که هستید و شما باید تمام آنچه را که از دستتان بر می آید هر آنجا که هستید انجام دهید.

شما تنها در صورتی می توانید پیشرفت کنید که در مکان فعلی خود بهتر شوید و هیچ کسی در مکانی که هست ترقی نمی کند مگر آنکه تمام کارهایی را که در مکان فعلی از دستش بر می آید انجام دهد. جهان توسط کسانی پیشرفت کرده است که بیش از آنچه که در توانشان بوده در محل فعلی خود انجام داده اند و بهتر از آنچه که بوده اند ظاهر شده اند. اگر هر کسی به خوبی جایگاه فعلی خود را پر نکند شما خواهید دید که ما در همه چیز پسرفت خواهیم کرد. آن کسانی که در مکان فعلی خود جایگاهشان را خوب پر نمی کنند قسمت مرده اجتماع هستند و در دولت بازرگانی و صنعت جا آنها باید توسط کسانی که موثرتر هستند پر شوند.

جریان جهان وابسته به کسانی نیست که مکان خویش را پر نمی کنند. آنها به زمان گذشته تعلق دارند و یک درجه از نقشه زندگی پایین تر هستند و در حال منقرض شدن می باشند.

اگر هر کسی در کار خود کاهلی کند هیچ جامعه ای پیشرفت نمی کند. سیر تکامل اجتماعی بوسیله رهبری تکامل ذهنی و جسمی انجام می شود.

در دنیای حیوانات سیر تکامل بوسیله تکامل نوع است. هر گاه یک ارگانیسم فعالیت بیشتر باشد از جایگاه خود به ارگانیسم های متعالی تر تکامل می یابد و مکانی جدید برای آنها باز می شود. هرگز برای ارگانیسمی که بیش از مکان خود جا پر نمی کند مکانی ساخته نمی شود. قانون برای شما نیز همینطور است.

ثروتمند شدن شما به تلاش شما برای اجرا کردن این اصول در کار و زندگی شخصی تان بستگی دارد.

هر روز زندگی به طور همزمان می تواند روزی پر از موفقیت یا شکست باشد.

این روز زندگی ما می تواند روز موفقیت باشد اگر آنچه را که می خواهید دریافت کنید.

اما اگر هر روز زندگی شما در زندگی تان یک شکست باشد شما هرگز نمی توانید ثروتمند شوید.

اگر کاری باشد که امروز باید انجام شود و شما آنرا انجام ندهید شما آنچه را که آن کار می توانست برایتان به ارمغان بیاورد را از دست خواهید داد و نتیجه شاید بسیار بدتر از آن چیزی بشود که شما تصور می کنید.

شما حتی نمی توانید نتیجه یک کار پیش پا افتاده را از قبل پیش بینی کنید زیرا شما کارکردهای مختلف آنرا در زندگی خودتان نمی دانید.

بسیاری مسائل ممکن است به یک کار کوچک شما وابسته باشد . این ممکن است کلیدی برای باز کردن در به سوی یک موقعیت مهم باشد.

شما هرگز نمی توانید تمام پیچیدگی هایی را که هوش کاینات برای شما تدارک دیده است را چه در دنیای اجسام و چه در کارکرد انسانها را پیش بینی کنید.

شکست و سهل انگاری شما برای انجام چیزهای کوچک ممکن است یک وقفه طولانی در دریافت آنچه می خواهید ایجاد کند.

هر روز تمام آنچه را که می شود برای آن روز انجام داد انجام دهید. هر چند که در آنچه که شما می خواهید محدودیتی وجود داشته باشد.

شما نباید زیاد کار کنید یا بطور کورانه بکار خود بچسبید تا اینکه بیشترین کار ممکن را در کوتاهترین زمان انجام دهید.

شما نباید سعی کنید کار فردا را امروز انجام دهید یا کار یک هفته را در یک روز انجام دهید .

آنچه که مهم است تعداد کارهایی که انجام می دهید نیست بلکه کیفیت کاری است که انجام می دهید.

هر کاری می تواند خودش به تنهایی یک موفقیت یا یک شکست محسوب شود.

هر عملی خودش به تنهایی می تواند موثر یا بی اثر باشد.

هر کار غیر موثری یک شکست است و اگر شما تمام زندگی خود را صرف انجام کارهای غیر موثر کنید تمام زندگی شما یک شکست خواهد بود. در این صورت هر چه کار بیشتری انجام دهید برای شما بدتر است .

به بیان دیگر هر کار موثری خود به خود یک موفقیت است و اگر تمام کارهای زندگی شما یک موفقیت باشد تمام زندگی شما به یک موفقیت بزرگ تبدیل می شود.

دلیل شکست انجام تعداد زیادی کارهای غیر موثر است و نه انجام کارهای موثر کافی در زمان خودش.

شما خواهید دید که این پروسه بدیهی است که اگر شما کار غیر موثری انجام ندهید و کارهای موثر بیشتری انجام دهید شما ثروتمند خواهید شد.

اگر از هم اینک هر کاری را بطور موثر انجام دهید مجدداً خواهید دید که ثروتمند شدن به عنوان نتیجه قطعی برای شما خواهد آمد.

آیا شما می توانید هر عمل جداگانه ای را در نوبه خود یک موفقیت به حساب آورید؟ البته! این همان چیزی است که می توانید انجام دهید . شما هر کاری را می توانید به یک موفقیت تبدیل کنید.

برای اینکه تمام قدرت به نفع شما کار می کند و تمام قدرت نمی تواند شکست بخورد.

قدرت جهانی در خدمت شماست و برای انجام موثر هر عمل شما تنها باید روی آن انرژی بگذارید. هر کاری به نوبه خود می تواند قوی یا ضعیف باشد.

اگر همه کارهایتان قوی باشند شما در مسیر درست کار می کنید که باعث می شود ثروتمند شوید . هر کاری می تواند با نگر داشتن تصویر ذهنی شما (هنگامی که آنرا انجام می دهید) قوی و موثر باشد.

زمانی که تمام قدرت ایمان و اعتقاداتان را روی کاری گذاشته اید آن کار موفقیت آمیز می شود.

هر کسی که نیروی ذهنی اش را از کار شخصی اش جدا می کند شکست می خورد.

آنها نیروی ذهنی شان را در یک مکان و در یک زمان مصرف می کنند و در زمان و مکان دیگری عمل می کنند بنابراین کار آنها موفقیت آمیز نیست و بسیاری از آنها غیر موثر است.

اگر تمامی قدرت خود را در هر کاری مصرف کنیم آن کار به خودی خود به یک موفقیت تبدیل می شود.

در طبیعت هر موفقیت در موفقیت دیگری را می گشاید و مسیر شما به سوی آنچه می خواهید هموارتر می شود .

بخاطر بسپارید یک عمل موفقیت آمیز اگر با یک عمل موفقیت آمیز دیگر جمع شود اثر تراکمی خواهد داشت.

زمانی که یک فرد به سوی زندگی گسترده تر حرکت می کند چیزهای زیادی خودشان به سمت او می آیند و توانایی تصور او چند برابر می شود.

هر روز هر آنچه را که در آن روز می توانید انجام دهید و هر یک از کارهایتان را بطور موثر انجام دهید.

شما در حین انجام هر کاری باید تصویر خودتان را حفظ کنید هر چند ناچیز و عادی باشد.

من نمی گویم که واجب است تمام لحظات تصویر خودتان را با ریز ترین جزئیاتش ببینید... این کار باید در زمان خالی و اوقات فراغت شما انجام شود که جزئیاتش را تصور کنید در صورتان و آنها را نگه دارید تا در اعماق حافظه شما ثبت شوند.

اگر شما خواهان نتیجه سریع هستید تمام وقتیهای مرده خود را به این تمرین اختصاص دهید.

برای ادامه شما تصویر آنچه را می خواهید با کوچکترین جزئیاتش که به سختی در ذهن شما حک شده بدست خواهید آورد و آن به آسانی به ماده بی شکل کاینات منتقل خواهد شد.

در ساعات کاریتان شما فقط نیاز دارید به اینکه ذهنتان به تصویرش برگردد تا ایمان و اعتقاداتان را مستحکم کند و شما را وادار کند بیشترین تلاش خود را انجام دهید.

تصویر پردازی خود را در ساعات فراغتتان ادامه دهید تا زمانی که ذهنتان از آن به شدت انباشته شود تا جایی که بتوانید آنرا کاملاً تصور کنید.

بیاپید جزئیات خود را با تغییرات اندکی دوباره در نقطه نقطه مواردی که هم اینک به آنها رسیده ایم طبقه بندی کنیم:

ماده متفکری در جهان هستی وجود دارد که تمام جهان از آن ساخته شده است .

آن ماده در مرکز خود گسترده می شود و در تمام کاینات و جهان هستی فضاگیر می شود.

یک فکر بکر بر روی این ماده سبب بوجود آمدن چیزی می شود که توسط آن فکر به تصویر کشیده شده است.

انسان می تواند چیزهایی را در فکر خود شکل دهد و با وارد کردن فشار این چیزها به ماده بی شکل نتیجه آنچه را که می اندیشیده خلق کند.

برای انجام اینکار فرد باید از روش رقابتی دست بردارد و به سمت ذهن خلاق برود.

او باید یک تصویر ذهنی شفاف از آنچه می خواهد را شکل دهد با ایمان و اعتقاد راسخ خود و هر آنچه را می تواند در هر روز انجام دهد.

او باید هر کار جداگانه ای را در موثر ترین حالتش انجام دهد.

فصل بیست و دوم:

بسیاری حرفه فیلسب:

موفقیت در هر شغلی وابسته به این است که در هر جزیی از آن پیشرفت به سمت جلو داشته باشید.

بدون مراکز آموزشی و حمایتی خوب نمی توان در شغلی پیشرفت کرد.

بدون یک مرکز خوب موسیقی هیچ کسی نمی تواند یک معلم موسیقی شود.

بدون یک مرکز پیشرفته مکانیکی هیچ کسی نمی تواند به درجه های بالای رشته مکانیکی دست یابد.

بدون ارتباط با مراکز پیشرفته در شغل خود نمی توانید به ثروت دست یابید.

موزیسین های موفق و تکی وجود دارند که ایده های نویی دارند اما فقیر مانده اند.

افراد زیادی هستند که توانایی های بالایی در رشته مکانیک دارند ولی ثروتمند نشده اند.

هم اکنون مراکز خوبی وجود دارند که برای راهنمایی افراد است که در کارشان شکست نخورند. یکی دیگر از مسایل مهم هم ابزار کار هستند. این مهم است که دابزارهای خوبی برای کارمان داشته باشیم و نیز اساسی است که ابزار به روش صحیح مصرف شوند.

یک فرد می تواند تیز بین باشد و استعداد و نقشه های خوبی هم داشته باشد و بتواند لوازم منزل و مبلمان و وسایل دکور و تزئینی زیبایی هم بسازد.

فرد دیگری هم ممکن است همان ابزار را داشته باشد و بخواهد همان وسایل را بسازد اما محصولات او محمل باشد..این فرد نمی داند که چگونه ابزار خوب را در یک راه موفقیت آمیز مصرف کند.

توانایی های مختلف ذهن شما ابزاری است که شما باید از آنها برای ثروتمند شدن استفاده کنید. این برای شما آسانتر است که به شغل مناسبی روی بیاورید که با ابزار ذهنی خود و توانایی های ذهنی تان بتوانید در آن خوب فعالیت کنید.

به زبان ساده تر: شما در شغلی می توانید بهترین باشید که بهترین و بیشترین و قوی ترین توانایی های شما را بکار گیرد.

این شغلی است که شما برای آن بطور طبیعی بهترین جایگزین هستید.

برای این امر محدودیتهایی وجود دارد....اما هیچ فردی نباید بخاطر محدودیتهایی که در آن متولد شده موقعیت را از دست بدهد.

شما در هر شغلی می توانید ثروتمند شوید . اگر انتخاب درستی ندارید می توانید آن انتخاب را ارتقا دهید.

این حرف این معنی را می دهد که شما باید ابزارهای خود را برای ادامه استفاده کنید و برای پیشرفت در کارتان از آنها بهره ببرید نه اینکه از امکاناتتان تنها استفاده کنید تا در همان موقعیتی که متولد شده اید باقی بمانید.

این برای شما آسانتر خواهد بود که در موقعیتی که هم اینک دارید یک پیشرفت خوب را انتخاب کنید.

ولی شما می توانید موفقیت را در هر موقعیتی که بخواهید بدست آورید.

برای موفقیت می توان هر انتخابی داشت و هیچ موقعیتی وجود ندارد که نتوان در آن موفق بود. شما بسیار آسان می توانید ثروتمند شوید اگر در هر کاری در موقعیتی که هستید بهترینها را انجام دهید.

اما شما با موفقیت و راحتی بیشتری ثروتمند می شوید اگر در شغلی باشید که به آن علاقمندید. زندگی واقعی انجام آن کاری است که به آن علاقمندید.

هیچ موقعیتی بدتر از آن نیست که ما مجبور باشیم برای تمام عمر کاری را بکنیم که دوست نداریم انجام دهیم و هرگز هم نتوانیم آنچه را می خواهیم انجام دهیم.

این واقعیت است که اگر بخواهید می توانید آنچه را می خواهید انجام دهید.

تصور یک چیز نشان می دهد که شما در درون خود قدرتی دارید که می توانید آن کار را انجام دهید.

تصور کردن تظاهری از قدرت است.

تصوری که یک فرد از نواختن موزیک دارد نشانه قدرتی است که می تواند خوب موزیک بنوازد و در آن زمینه پیشرفت کند.

تصور اینکه یک فرد می تواند خوب وسایل مکانیکی را طراحی کند نشان دهنده این است که مکانیک بودن برای او انتخاب خوب و مناسبی است و در آن کار پیشرفت خواهد کرد.

اگر قدرت انجام کاری در یک فرد وجود نداشته باشد تصویری هم از آن نخواهد داشت و جایی که تصور قوی برای انجام چیزی وجود دارد این کاملاً واضح است که آن کار تنها نیاز به پیشرفت و ارتقا و وارد شدن به مسیر صحیح دارد.

این بهترین کار است که شغلی را انتخاب کنید که در آن بیشترین و بهترین امکان پیشرفت را دارید.

اما اگر تصویری قوی برای درگیر شدن در شغل خاصی را دارید شما باید آن کار را انتخاب کنید....و باید آنرا بعنوان تنها و آخرین انتخاب خود برگزینید.

شما می توانید آنچه را که می خواهید انجام دهید. این کاری صحیح و حق شماست که شغلی را دنبال کنید و سراغ موقعیتی بروید که بیشترین توانایی یا علاقه را به آن دارید. شما مجبور نیستید کاری را انجام دهید که تمایلی به انجام آن ندارید و نباید آنرا بعنوان تنها راهی که باید انجام دهید برگزینید تا آنچه را که می خواهید به سوی شما بیاورد.

اگر قبلاً اشتباهی رخ داده است که باعث شده شما در موقعیتی که تصور نکرده اید از لحاظ شغلی یا محیطی اشتباه قرار بگیرید شما ممکن است تا مدتی مجبور باشید کاری را انجام دهید که دوست ندارید...اما شما می توانید آن کار را با لذت انجام دهید با علم به اینکه آن کار باعث می شود که برای شما امکانی باز کند تا شما قادر شوید آنچه را که می خواهید انجام دهید.

اگر احساس می کنید در موقعیت صحیح قرار ندارید خیلی حرص نزنید که به موقعیت دیگری وارد شوید....بطور کلی بهترین راه برای تغییر شغل یا محیط ارتقا یافتن و پیشرفت کردن در محیط فعلی است.

زمانی که موقعیت فراهم شد از یک تغییر و تحول ناگهانی نترسید .

اگر بعد از یک بررسی دقیق متوجه شدید که موقعیت درست و صحیح است کار جدید را شروع کنید .

اما اگر نمی دانید که انجام کاری صحیح است یا خیر هرگز یک کار ناگهانی را نپذیرید و انجام ندهید.

برای یک نقشه خلاقانه هرگز عجله لازم نیست و موقعیت هم هرگز کم نیست.

هر گاه شما از شر ذهن رقابتی خلاص شوید درک خواهید کرد که لازم نیست هرگز با حرص کار کنید . هیچ کسی نمی خواهد شما را از کاری که می خواهید انجام دهید دور و منحرف کند. در جهان به اندازه کافی برای همه موجودی هست.

اگر یک جا اِشغال شود یک جای بهتر و دیگر برای شما باز می شود. زمان زیاد است.

وقتی در دودلی هستید می توانید بازگردید و تصویر خود را مرور کنید و ایمان و اعتقاد خود را بالا ببرید و تقویت کنید و به تمام معنی در تمام لحظات شک و دودلی شکرگزاری را فراموش نکنید.

یک یا دو روز را به مرور تصویر خود از آنچه می خواهید اختصاص دهید و به زودی آنچه را که ذهن شما را به روابط نزدیکتر می آورد دریافت خواهید کرد و نیز موقعیتهایی را که باعث می شود شما اشتباه نکنید.

ذهنی وجود دارد که تمام آنچه را که برای دانستن لازم است می داند و شما می توانید تلاش و پیشرفت در زندگی خود را به این ذهن نزدیکتر کنید اگر عمیقاً شکرگزار باشید.

اشتباهها از کارهای با عجله و شتابزده ناشی می شوند و یا از کار کردن هنگام شک یا ترس و دودلی شدید و یا در فراموشی حرکت صحیح و ندانستن اینکه فراوانی برای همه هست و برای هیچکس کم و کسری وجود ندارد.

از زمانی که شما در مسیر صحیح بیفتید موقعیتهای به سراغ شما می آیند آنهم در شمار فزاینده. آن زمان است که شما باید در ایمان و اعتقاد خود راسخ و پایدار بمانید و ذهن خود را عمیقاً روی سپاسگزاری و شکرگزاری متمرکز کنید.

هر آنچه را که می توانید در بهترین حالت خود هر روز انجام دهید ولی آنرا بدون شتابزدگی و ترس و عجله انجام دهید.

با بیشترین سرعتی که می توانید حرکت کنید ولی هرگز عجله نکنید.

به خاطر داشته باشید همان لحظه ای که عجله می کنید از حالت خلاق خارج می شوید و به حالت رقابتی می افتید و دوباره از نقشه قدیمی خود دور می شوید .

هرگاه خود را در حالت عجله یافتید استراحت کنید.....ذهن خود را روی آنچه که می خواهید متمرکز کنید و برای دریافت آنچه می خواهید شکرگزاری کنید.

تمرین شکرگزاری هرگز خطا نمی رود و باعث بازسازی و نو کردن اعتقاد شما می شود.

فصل چهارم: فصل چهارم:

ارتقا سطح زندگی

چه شما موقعیت خود را تغییر بدهید و چه ندهید عمل شما در زمان حال و باید کاری باشد که به درد شغلی بخورد که در حال حاضر درگیر آن هستید. شما می توانید با استفاده مفید و موثر از شغلی که هم اینک درگیر آن هستید و با انجام دادن کار روزانه خود به بهترین شیوه به شغل دلخواه خود برسید.

اگر کار شما وابسته به وجود فرد دیگری باشد چه وابسته به خود آن شخص چه نوشته و توصیه نامه او فکر کلیدی در تمام حالتها می باشد باید این باشد که به ذهنهای آنها تفوذ کنید بوسیله ارتقا در سطح زندگی و کار خودتان.

ارتقا یافتن در زندگی چیزی است که تمام مردان و زنان خواهان آن هستند.

این اثر ماده موثر کاینات روی آنهاست و باعث می شود که آنها خواهان ابراز و بیان پر بارتر خود باشند.

تصور ارتقا یافتن در تمام طبیعت تعبیه شده است. این ابتدایی ترین انگیزه در کاینات است.

تمام فعالیتها بر پایه تصور ارتقا شکل گرفته است.

مردم غذای بیشتری را طلب می کنند.... لباسهای بیشتر.... سرپناه بهتر.... تجملات بیشترزیبایی بیشتر....دانش بیشتر.... لذت بیشتر...و....افزایش در همه چیز....در واقع زندگی بیشتر و بهتر.

هر موجود زنده ای زیر فشار این ضرورت برای ادامه زندگی و تکامل قرار دارد. زمانی که ارتقا از زندگی حذف شود مرگ و نابودی در همان لحظه اتفاق می افتد. انسانها بطور طبیعی اینرا می دانند و اجبار خود را برای درخواست بیشتر حس می کنند.

این قانون دایمی ارتقای برنامه ریزی شده توسط عیسی مسیح (ع) در تمثیل با ذوقی بیان شده است:

" تنها از کسانی که به نفع بیشتری دست یابند و نفع بیشتری به دیگران می رسانند ...توانگری و آنچه را که دارند از جانب خداوند گرفته نمی شود"

(مسیح مقدس)

تصور طبیعی برای توانگری ارتقا یافته ..یک فکر شیطانی و کار اشتباهی نیست. بلکه تصویری برای زندگی فراوانتر است.

این امر مانند تنفس ضروری است زیرا این عمیق ترین غریزه در طبیعت ماست.

تمام انسانها (چه زن و چه مرد) دوست دارند با کسانی در ارتباط باشند که معنای بیشتری از زندگی را به آنها ارزانی دارند.

به عنوان توضیح پایانی در مورد پاراگرافهای گذشته می توان چنین گفت که: شما بخاطر شخص خودتان است که ارتقا می یابید و آنرا به هر کسی هم که با او ارتباط دارید انتقال می دهید. شما یک مرکز خلاق هستید که ارتقا را به اطراف انتقال می دهید. به این موضوع ایمان داشته باشید و اطمینان از کار را به همه افراد چه زن...چه مرد...چه بزرگ و چه کودکبه هرکسی که با آنها ارتباط دارید انتقال دهید و هدایتشان کنید.

تفاوتی نمی کند که کار شما حقیر یا کوچک باشد. حتی اگر کارتان فروش آبنبات به کودکان باشد در کارتان افکار بهبود و ارتقا را وارد کنید و ایمان داشته باشید که این فکر به مشتری شما هم القا می شود.

فشار و نیاز به تکامل را حتی در کارهای کوچکی که انجام می دهید هم وارد کنید. در اینصورت همه مردم این موضوع را که شما یک انسان تکامل یافته هستید دریافت می کنند و شما هر کسی را که با شما سر و کار دارد ارتقا می دهید.

حتی وقتی با کسی در یک محیط اجتماعی آشنا می شوید بدون ارتباط شغلی هم می توانید فکر ارتقا یافتن را به او انتقال دهید.

شما اگر خودتان در راه پیشرفت و ارتقا باشید دیگران را هم به سمت پیشرفت هدایت می کنید. بگذارید این اعتقاد پراکنده شود... همه جا را پر کند و تمام اعمال را در بر بگیرد.

هر آنچه را انجام می دهید طوری انجام دهید که گویا شما انسانی تکامل یافته هستید و اینطوری می توانید تکامل را به همه انتقال دهید.

احساس کنید که دارید ثروتمند می شوید....اما به موفقیت خود غره نشوید و راجع به آن لاف نزنید. اگر لزومی ندارد حتی راجع به آن حرف هم نزنید.

اعتقاد راسخ نیاز به لاف زدن ندارد.

هر کجا یک انسان لاف زن دیدید متوجه خواهید شد که انسان لاف زن بطور مخفیانه خودش ترسیده است.

به سادگی ایمان را حس کنید و بگذارید در تمام موقعیتهای کار کند و جاری شود. بگذارید هر عمل و صدا و نگاه این اطمینان را منتقل کند که شما دارید ثروتمند می شوید.....یا حتی از آن بالاتر شما هم اکنون ثروتمند هستید.

کلمات و سخن گفتن ضروری نیست که بخواهید از طریق لاف زدن موقعیت خود را پیش دیگران بالا ببرید....اگر واقعا در حال پیشرفت باشید مردم خود آن را در شما خواهند دید.

شما باید این احساس را به دیگران القا کنید که در صورت ارتباط با شما خودشان هم ارتقا می یابند.

سعی کنید به دیگران چیزی با ارزش تر از آنچه که از آنها دریافت می کنید بدهید.

در این بابت با خودتان عهد پایداری ببندید و بگذارید همه تفاوت را در شما ببینند و خواهید دید که بعد از آن شما هرگز کمبود ارباب رجوع نخواهید داشت.

مردم به سوی جایی می روند که باعث ارتقا و پیشرفت آنها می شود و چه بهتر که این ارتقا در همه چیز باشد.

افراد به سوی شما خواهند آمد...حتی کسانی به سمت شما می آیند که قبلا شما را نمی شناخته اند. شغل و بازرگانی انحصاری شما رشد خواهد کرد و شما از موفقیت های غیر منتظره ای که به سوی شما می آیند شوکه خواهید شد. شما روز به روز در ساختن ترکیبها موفق تر می شوید و در تکامل پیشتازتر خواهید شد.....بنابراین به سوی مکان و موقعیت بهتری که آنرا تصور کرده اید پیش خواهید رفت.

اما انجام تمامی این مراحل نباید باعث شود که هرگز تصویر ذهنی خود را از آنچه می خواهید از دست بدهید.

ایمان و اعتقاد راسخ خود را به اینکه آنچه را که می خواهید دریافت خواهید کرد از دست ندهید. اما بگذارید یک هشدار مهم در هدایت حرکتهایتان بدهم. خود را از این وسوسه که قدرت را از دیگری طلب کنید بر حذر دارید.

هیچ چیزی برای ذهن تکامل یافته عجیب و غیر معمول نیست پس چرا بخواهد قدرت را از دیگران گدایی کند؟؟!!

قانون اصلی تصور خشنودی برای کل دنیا است

برای سالیان متمادی پادشاهان و بزرگان با شیشه کردن خون مردم جهان را اداره می کردند تا حکومت خود را گسترش دهند. آنها نمی خواستند دیگران بهتر شوند و پیشرفت کنند. آنها قدرت را از مردم می دزدیدند.

امروزه حرکت اساسی جهان در بازرگانی و صنایع یکسان است. مردم خود ارتش دلارهای خود را رهبری می کنند و افرادی را که سلطه جو هستند را از صحنه خارج می کنند.

غولهای تجارت مانند پادشاهان سیاسی هوس قدرت دارند.

عیسی مسیح(ع) در تصور سروری بر دیگران انگیزه محرک شیطان را دید و تصمیم گرفت آنرا بر اندازد.

فصل ۱۲۳ انجیل متی را بخوانید تا ببینید ایشان چگونه دستگاه "فریسی" هایی (یکی از فرقه های آیین یهود) که خود را بزرگ و مسلط بر دیگران می خواندند بر افکند و نشان داد که او به جای هوس برتری از پیروان خوب خویش درخواست برادری دارد.

"وسوسه قدرت را رها کنید تا برتری یابید. برای اینکه بالاترین باشید باید خدمتگزار دیگران باشید"

(عیسی مسیح)

ذهنی که بخواهد بر دیگران ریاست کند رهنی رقابتی است و ذهن رقابتی هرگز نمی تواند ذهنی خلاق باشد.

نخواهید که بر محیط و اطرافیان خود حکومت کنید. اصلاً لازم نیست که قانونی برای پیروان خود وضع کنید.

زمانی که شما با کمک خداوند و تلاش خودتان به جایگاه بالاتری دست می یابید به محیط و قلب اطرافیان تسلط خواهید داشت.

ثروتمند خواهید شد و زمین و زمان خود دلیلی برای خوش شانسی و ثروتمند شدن شما خواهد شد.

از ذهن رقابتی دست بردارید. هیچ موقعیتی بهتر از یک عمل خلاقانه در آینده برای شما کار نخواهد کرد.

و در آخر این قانون طلایی را همواره به خاطر بسپارید:

آنچه را برای خود می خواهید برای دیگران هم بخواهید.

فصل پانزدهم:

انسان تکامل یافته

آنچه من در فصل گذشته عنوان کردم به خوبی الگویی برای یک انسان پیشرفته بود.

هیچ فرقی نمی کند که شما یک پزشک باشید.... یا یک معلم... یا یک کشیش... تا زمانی که شامل بتوانید ارتقا را در زندگی دیگران ایجاد کنید و آنها را به عمل خود متوجه و حساس کنید آنها به شما مراجعه می کنند و شما ثروتمند می شوید.

پزشکی که از خود تصویری بعنوان یک درمانگر بزرگ و موفق نگه می دارد و به سوی تکمیل آن تصویر با ایمان و اعتقاد کامل گام بر می دارد همانگونه که در فصلهای گذشته ذکر شد به زندگی موفق دست می یابد و بیماران زیادی به او مراجعه خواهند کرد. هیچ کسی توانایی بیش از یک پزشک ندارد که آنچه را که در کتابهایش آموخته است انتقال دهد.

این مهم نیست که او در کدام دانشگاه تحصیل کرده است.... زیرا اساس سلامت و درمان همه جا یکسان است. یک پزشک پیشرفته آنکه در ذهن خود تصویر شفافی از خودش بعنوان یک فرد موفق می بیند می تواند تمام بیماریهای قابل علاج را درمان کند و مهم نیست که از چه روشی استفاده می کند.

در شاخه دین جهان کمتر روحانیونی دارد که می توانند آموخته های خود را بعنوان علمی برای زندگی ارایه دهند .

کسی که قانون توانگری را می داند و قانونهای سلامتی... بزرگی... خوب بودن... و قانون موفقیت عشق را... و آنها را تدریس می کند هرگز کم توجهی نمی بیند.

این است کتاب مقدسی که جهان به آن نیاز دارد. این است که باعث ارتقا زندگی می شود. کسانی که این آموزشها را با خوشنودی می شنوند به کسانی که این را برای آنها آورده است قدرت رهبری می دهند.

هم اینک چه چیزی بعنوان یک آموزش کامل مورد نیاز است؟؟

ما آموزگاری را می خواهیم که بتواند چگونه ها را به ما بیاموزد....اما کدامین آموزگار خود از چگونگی ها مطلع است که آنرا به ما بیاموزد؟؟

ما آموزگاری را می خواهیم که خود سالم و توانگر باشد....فردی بزرگ و دوستداشتنی تا به ما آموزش بدهد چگونه لبه خواستهای صحیحمان برسیم.

زمانی که چنین آموزگاری بیاید پیروان زیادی خواهد داشت.

همین امر در مورد آموزگاری که به کودکان اعتقاد و ایمان را می آموزد نیز صادق است زیرا سطح زندگی او را ارتقا می دهد.

هر آموزگاری که این اعتقاد و ایمان را داشته باشد می تواند آنرا به دانش جویان و دانش آموزان خود القا کند.

او نمی تواند اینرا به آنها انتقال دهد اگر جزیی از زندگی خودش نباشد

این امر که گفتیم برای معلمان...پزشکان...روحانیون...و.....صادق است....برای وکلای...دندان پزشکان....ملاکین...دلایان...ماموران بیمه...و....خلاصه برای همه مردم صادق است.

این روش تلقین ذهن و عمل فردی که توضیح دادم هرگز شکست نمی خورد. هر مرد و زنی که این آموخته ها را به خوبی دنبال کند با ایمان و از روی برنامه ثروتمند خواهد شد.

قانون ارتقا زندگی یک قانون ریاضی مانند و دقیق است . مانند قانون جاذبه که قانونی دقیق است قانون ثروتمند شدن هم چنین است.

احساس نکنید که هیچ شانس پیشرفتی ندارید چون در جایی قرار دارید که هیچ موقعیتی برای پیشرفت دیده نمی شود....و زمانی است که در آمدها اندک و خرج ها بالاست.

تصویر ذهنی خود را از آنچه می خواهید شفاف شکل دهید و شروع کنید به کار کردن با اعتقاد و ایمان.

هر کاری را که باید در امروز انجام شود انجام دهید. هر کاری را موفق و دقیق انجام دهید.

قدرت خود را روی موفقیت و اعتقاد به ثروتمند شدن قرار دهید آنهم در هر کاری که انجام می دهید. اما اینکار را برای جلب توجه کارمندان ارشد خود انجام ندهید به این امید که آنها بالا دست شما هستند ...کار خوب شما را می بینند و شما را ارتقا می دهند . این دقیقا همان کاری است که آنها انجام نخواهند داد.!!!

کسی که حقیقتا یک کارگر خوب است جایگاه خود را با بهترین توانایی خود پر کرده است و این برای مقامهای بالاتر آن ارگان صرف دارد و برای آنها جالب نیست که او را ارتقا دهند. او در جایی که هست با ارزشتر است.!!!

برای بدست آوردن پیشرفت به چیزی بیش از بهتر بودن در جایگاه خود نیاز است.

کسی حقیقتاً پیشرفت می کند که زیادی برای جایگاه خود بزرگ است و تصور شفافی از آنچه که می خواهد باشد را دارد. کسی که می داند می تواند آنچه می خواهد... بشود و کسی که تصمیم دارد آنچه که می خواهد باشد.

زیادی تلاش نکنید که جایگاه خود را بیش از حد پر کنید یا زیادی جلب توجه ریس خود را بکنید.

کارتان را با ایده ارتقای زندگی خودتان انجام دهید. ایمان و اعتقاد را در حین ساعات کاری خود حفظ کنید و نیز قبل و بعد از ساعات کار. آنرا در تمام لحظاتی که با دیگران در ارتباط هستید حفظ کنید چه با فرادستان و چه فرودستان و چه در تمام موقعیتهای اجتماعی. همه ارتعاشات قدرت ایمان را از شما درک خواهند کرد.

افزاد با شما در تماس خواهند بود و اگر هیچ امکان پیشرفتی در شغل خودتان نباشد شما به زودی موقعیتی خواهید یافت که شغل بهتری بیابید.

تنها یک قدرت در دنیا وجود دارد و آن قدرت یگانه در ارایه دادن امکانات به فرد تکامل یافته ای که در مسیر قانون یگانه حرکت می کند هرگز خطا نمی کند.

اگر شما در مسیر درست عمل و حرکت کنید خداوند جلوی کمک به شما را نمی گیرداو حتما خودش به شما کمک می کند.

هیچ چیزی در محیط شما وجود ندارد که بتواند شما را پایین نگه دارد و از پیشرفت شما جلوگیری کند.

اگر شما نمی توانید ثروتمند شوید دلیل آن اینست که درست و از روی اصول کار نمی کنید. شما حتی در یک زمین ۱۰ متر مربعی هم می توانید ثروتمند شوید اگر که شروع به حرکت در مسیر درست کنید. می توانید شروع به ترویج کار خود کنید و آن مزرعه کوچک خودش به سمت آن چیزی که آرزوی آنرا دارید می رود. اگر تنها تعداد کمی از هزاران کارمند بتوانند در مسیر درست کار کنند موقعیت کاری تغییر می کندیا ریس باید امکانات بیشتری به کارمندانش بدهد یا اینکه کارش را تعطیل می کند!

هیچ کسی بصورت نسبه برای کسی کار نمی کند چون این موضوع افراد را بی انگیزه نگه می دارداما از زمانی که این افراد از قانون توانگری اطلاع یابند و هوش آنرا داشته باشند که اجرایش کنند این وضع تغییر خواهد کرد.

کار کردن و عمل در مسیر صحیح و ایمان و اعتقادات شما را دقیق و زیرک می کند در دیدن موقعیتها برای بهبود وضعیتتان.

برخی موقعیتها به سرعت بدست می آیند و برای همه کارایی دارند و پیش از شما امکانات را برای شما آماده می کنند.

صبر نکنید که دقیقا همان موقعیتی که می خواهید بدست بیاید .

هرگاه موقعیتی پیش آمد که دقیقا همانی نبود که می خواستید ولی بیش از امکانات فعلی بود آنرا بچسبید و از آن بعنوان پله اول به سوی موقعیتی بزرگتر استفاده کنید .

هیچ چیزی بعنوان کمبود موقعیت در این جهان وجود ندارد خصوصا برای کسی که بعنوان یک انسان تکامل یافته زندگی می کند.

این امر برای هر کسی صادق است. تمام چیزهای خوب برای همه وجود دارد. یک فرد تکامل یافته طوری است که همه چیز برای او و در صلاح او کار می کند و او باید حتما ثروتمند شود اگر در مسیر درست فکر و عمل کند.

پس بگذارید کارمندان شما هم این کتاب را بخوانند و با دقت بسیار به کار گیرند.

این راهی است که به خطا نمی رود.

فصل شانزدهم:

چند اختار و نتیجه نهایی

بسیاری افراد این فکر را که دانشی برای ثروتمند شدن وجود دارد را مورد تمسخر قرار می دهند.

این عقیده را فراموش کنید که توانگری محدود است.

این افراد اصرار می ورزند که جامعه یا دولت باید عوض شوند قبل از اینکه بشود نیاز به رقابت در مردم از بین برود و همه چیز برای همه کافی باشد.

اما این صحیح نیست!

این درست است که دولتهای سرنگون شده توده مردم را در فقر نگه می دارند. اما این دقیقا به این خاطر است که توده های مردم در مسیر صحیح فکر و عمل نمی کنند. اگر توده مردم شروع کنند به حرکت و عمل بر طبق تعالیم صحیح نه دولتها و نه سردمداران صنایع بزرگ نمی توانند آنها را محدود کنند.... آنگاه تمام سیستمها باید تعدیل شوند و با حرکت صحیح تطبیق شوند.

اگر انسانها یک ذهن تکامل یافته داشته باشند و اعتقاد داشته باشند به اینکه ثروتمند می شوند
...آنگاه به سوی اعتقاد و ایمان راسخ برای ثروتمندی حرکت کنند...هیچ چیزی نمی تواند آنها را
در فقر نگه دارد.

افراد باید همواره در مسیر صحیح حرکت کنند و تحت نظر هر دولتی که هستند بتوانند خودشان
را ثروتمند کنند و به خواسته‌هایشان دست یابند.

اگر تمام افراد تحت نظر دولتها در مسیر صحیح حرکت کنند باعث خواهند شد دولت هم تعدیل
شود و درها را برای پیشرفت همه بگشاید.

افرادی که با نقشه های رقابتی ثروتمند شده اند برای دیگران زیانبار هستند.

هر چه افراد بیشتری بر اساس روش خلاق ثروتمند شوند برای دیگران بهتر است.

رهایی اقتصادی توده مردم تنها بوسیله ثروتمند شدن تعداد بیشتری از مردم از روش صحیح
صورت می گیرد.

این کار می تواند به دیگران راه صحیح را نشان دهد و به آنها برای تصور زندگی ایده آل الهام
بخشد و به آنها ایمان و اعتقاد بدهد که این امر می تواند اتفاق بیفتد و می توان آنرا محقق
ساخت.

در حال حاضر کافی است که بدانید نه دولتی که شما تحت سلطه اش زندگی می کنید نه
سردمداران یا سیستم رقابتی سرمایه داران نمی توانند شما را از ثروتمند شدن باز دارند.

وقتی شما وارد نقشه های خلاق فکری شوید از تمام اینها رهایی می یابید و شهروند سرزمین
دیگری خواهید بود.

اما بخاطر داشته باشید که فکر شما باید بر مبنای نقشه ای خلاقانه طرح ریزی شده باشد.

شما هرگز تحت اضطرار که تسلیم محدودیتهای سیستم بشوید نخواهید بود.

شما مجبور نیستید در سطح نازل رقابتی کار کنید.

هرگاه به روشهای کهنه تفکر سقوط کردید سریعاً طرز فکر خود را تصحیح کنید.

تا زمانی که در سطح ذهن رقابتی قرار دارید همزمانی با ذهن همگانی را از دست خواهید داد.

وقت خودتان را صرف نقشه کشیدن برای مواجه شدن با حالتیهای اضطراری آینده نکنید .

تنها وقتی که می گذارید برای استراتژی های اساسی ای باشد که ممکن است روی عمل امروز شما موثر باشد.

شما باید کار امروز خودتان را با بهترین موفقیت ممکن انجام دهید .

هرگز ترس از فردا را به دل خویش راه ندهید.

زمانی که شرایط اضطراری بوجود آمد در زمان خودش با آن مقابله خواهید کرد!

خودتان را با پرسشهایی از قبیل اینکه چگونه باید با مشکلات شغلتان در آینده مواجه شوید آزار ندهید .

مهم نیست چه مقدار سد و مانع ممکن است در مسیر شما ظاهر شونداگر شما در مسیر

صحیح حرکت کنید هر گاه با موانع برخورد کردید از پس آنها بر خواهید آمد و آنها خودشان

ناپدید خواهند شد. یا اینکه راه دیگری باز می شود .

هیچ احتمال برگرفته از محیط نمی تواند مرد یا زنی را که تصمیم گرفته از طریق صحیح و علمی ثروتمند شود متوقف کند.

هیچ مرد یا زنی که با قانون مخالفت کند هم ثروتمند نمی شود... هر چند که دستهای زیادی کمک اش کند.

هیچ فکر و اضطرابی در مورد مشکلات احتمالی ... مانع ها ... ترسها یا احتمالات ناخوشایند محیطی به دلتان راه ندهید.

هر زمانی که ظاهر شدند به وقت خودش با آنها مقابله خواهیم کرد!

لازم نیست در زمان حال تصورشان کنیم. در این صورت کار ما بسیار مشکل خواهد شد.

برای مشکلات انتظار نکشید.

سرعت خود را کنترل کنید .

هرگز راجع به خودتان ... ترسهایتان یا راههای مخالف با کسی صحبت یا درد دل نکنید.

هرگز به فکر شکست احتمالی نباشید. طوری صحبت نکنید که انگار احتمال شکست هست.

هرگز در مورد زمان سختی و کارهایی که در آنها شکست خورده اید صحبت نکنید.

ممکن است زمانی سختی و کارهای ناموفق در مسیرهای رقابتی برای افراد رخ بدهد اما با

تصحیح مسیر دیگر برای شما رخ نخواهند داد.

شما می توانید آنچه را که می خواهید خلق کنید . شما برتر از ترسها هستید.

زمانی که دوران فقر و سختی است شما می توانید با حرکت در مسیر صحیح بهترینها را داشته باشید.

تلاش کنید ذهنتان فکر کردن را متوقف کند و به جهان به عنوان آنچه که تبدیل می شود و رشد می یابد بنگرید و به هر چه که تکامل یافته نیست به عنوان نمادی از شیطان بنگرید.

همواره با زبان تکامل سخن بگویید . برای عمل لازم است ایمان خود را تقویت کنید و ایمان خود را از نابود شدن حفظ کنید . هرگز نگذارید بی اعتقاد شوید . شما باید خواهان دریافت چیزهای صحیح در زمان صحیح خود باشید نه دریافت آنها در همین الان!

این برای شما چیزی جز شکست نخواهد بود.

اما اگر به ایمان خود اجازه حرکت بدهید خواهید دید که شکست ناپدید می شود. در مسیر صحیح حرکت کنید و اگر آنچه را که می خواستید دریافت نکردید ایمان داشته باشید که چیزهای بسیار بهتری را دریافت خواهید کرد و خواهید دید آنچه به نظرتان یک شکست می آمد در حقیقت خودش یک موفقیت بزرگ است.

زمانی که وقتش برسد خواسته ما خودش از راه صحیح می آید.

گاهی به نظر می آید نیروهایی نامریی بر علیه ما کار می کنند.

به آنها اگر توجه نکنید و شکرگزار باشید در زمانی کوتاه همه چیز به نفع شما می چرخد و در چند هفته کوتاه یک موقعیت بسیار بهتر در سر راهتان قرار خواهد گرفت که اصلاً با موقعیت اولیه قابل مقایسه نیست.

خواهید دید که ذهنی پیش از شما همه چیز را بهبود بخشیده....ذهنی که بیش از شما می داند.

این روشی است که از طریق آن تمام شکستهای ظاهری برای شما کار می کنند .

اگر شما ایمان خود را حفظ کنید به اعتقاد خود بچسبید ... شکر گزار باشید هر روز عمل کنید و هر آنچه را که می توانید در همان روز انجام دهید و هر کار جداگانه ای را موفقیت آمیز انجام دهید هر روز شما یک موفقیت است.

زمانی که خطا می کنید برای آن است که شما به اندازه کافی نخواستید. ادامه دهید و آنگاه چیزهای بیشتری به سوی شما خواهند آمد.

اینرا همواره به خاطر بسپارید: شما شکست نمی خورید چون استعداد کافی برای انجام آرزوهایتان را ندارید.... اگر به روش صحیح عمل کنید در تمام استعدادهایتان تکامل می یابید که برای رسیدن به خواسته هایتان لازم هستند.

این در حد و اندازه های این کتاب نیست که استعداد خاصی را پرورش دهد اما با روش صحیح این امری اساسی و ساده است که ثروتمند خواهید شد.

حرص ننید. امواج ترس را از خود ساطع نکنید. وقتی در زمان و مکان صحیح قرار می گیرید و فکر می کنید که کمبود توانایی دارید قوی باشید.... به جایش که رسیدید توانایی را که نیاز دارید اگر از مسیر صحیح عمل کنید بدست خواهید آورد.

همانند **آبراهام لینکلن*** که به توانایی ای رسید که قابل باور نبود و توانست بزرگترین کار را در دولت آمریکا انجام دهد که به نظر نمی آمد مردی به تنهایی بتواند آن را انجام دهد و آن گره را بگشاید. او توانست از تمام ذهنهایی که برای آزادی می تپیدند برای رسیدن به هدفش استفاده کند.

ایمان مستحکم داشته باشید.

این کتاب را فرا بگیرید. آنرا تمرین مداوم خودتان قرار دهید تا زمانی که استاد تمام ایده هایی شوید که در این کتاب ارایه شده است. هرگاه به این اعتقاد راسخ رسیدید کارهایتان را خوب انجام خواهید داد و به تمام آرزوها و خواسته هایتان خواهید رسید.

دنبال هر آنچه غیر آموزشهای صحیح این کتاب است نروید.

سخنرانیهای مخالف را گوش نکنید.....با مسایل صحیح مخالفت نکنید.

بیشتر اوقات فراغت خود را به طراحی تصویر ایده آل خود و شکرگزاری اختصاص دهید.

هر آنچه را که برای ثروتمند شدن نیاز دارید در این کتاب برای شما جمع آوری شده است.

در فصل آینده (فصل آخر) شما تمامی اصول جمع شده این کتاب را خواهید دید.

فصل هفدهم:

خلاصه علم توانگری (علم ثروتمند شدن)

ماده متفکری در جهان هستی وجود دارد که همه چیز از آن ساخته شده است که در حالتی پایه نفوذ می کند و فضای کاینات را پر می کند.

فشار هر فکری روی این ماده آنچه را که توسط آن فکر به تصویر کشیده شده است بوجود می آورد.

انسان می تواند اجسام را با فکرش شکل دهد و با وارد کردن فشار فکرش به این ماده بی شکل سبب خلق آنچه که بدان اندیشیده است شود.

برای انجام اینکار انسان باید از ذهن رقابتی دست بردارد و به سمت ذهن خلاق بروددر غیر این صورت او نمی تواند با ماده بی شکل و متفکر که همواره خالق است و هرگز روح رقابتی ندارد در تعامل قرار بگیرد.

انسان می تواند به تعادل کامل با ماده بی شکل دست یابد اما این کار ممکن نیست مگر از طریق سرزندگی و شکرگزاری بی ریا و دعا برای آنچه به او ارزانی شده است.

شکرگزاری ذهن انسان را با هوش ماده بی شکل متحد می کند.

فرد می تواند با یگانه کردن خودش با ماده هوشمند بوسیله حس شکرگزاری عمیق و مداوم در ذهن خلاق باقی بماند.

فرد باید یک تصویر شفاف و واضح ذهنی از آنچه که آرزویش را دارد یا آنچه را که می خواهد انجام دهد یا آنچه را که می خواهد بشود شکل دهد.

باید این تصویر را در ذهن خود نگه دارد تا زمانی که متوجه شود تمام تصویر در ذهنش حک شده است .

فردی که آرزو دارد ثروتمند شود باید اوقات فراغتش را به ادامه تصویر و نگه داشتن آن بپردازد و باور کند که خواسته اش به او داده خواهد شد.

استرس ذهنی نمی گذارد تصویر ذهنی شما ثابت بماند. باید تصویر ذهنی با ایمان و اعتقاد راسخ و شکرگزاری مدام جفت شود.

این مسیری است که آرزو به ماده بی شکل داده می شود و آن فشار خلاق وارد می شود. انرژی خلاق توسط کانالهای تکامل طبیعی کار می کند و در مسیر راههای اجتماعی. کسی که آنچه را که گفته شد اجرا کند بی شک به تصویر ذهنی خود دست خواهد یافت.

هر کسی که ایمانش نلرزد هر آنچه را که می خواهد توسط راههای غیر منتظر به سویش می آید.

برای بدست آوردن آنچه که متعلق به کسی است او باید فعال باشد تا وقتی آنچه می خواهد از راه رسید آنرا دریافت کند و این فعالیت تنها می تواند بوسیله پر کردن بیش از حد مکان فعلی باشد. او باید این ایده را که می خواهد ثروتمند شود در تصویر ذهنی اش نگه دارد و هر روز آنچه را که می شود در آن روز انجام داد انجام دهد. هر عملی را در موفق ترین حالتش انجام دهد.

او باید به هر کسی بیش از آنچه که از او دریافت کرده سود برساند چون هر کاری برای تکامل بیشتر در زندگی است.

او باید فکر تکامل یافته خود را در رابطه با هر کسی که با او در تماس است حفظ کند.

هر مرد و زنی که به آنچه گفته شد عمل کند واقعا ثروتمند می شود. ثروتی که آنها دریافت می کنند دقیقا همانند تصویری است که داشته اند و دلیل آن هم ثبات عقیده شان ...پایداری ایمانشان و عمق شکرگزاری شان می باشد.

"پایان"

کتابنامه:

در این بخش اسامی افرادی که در متن کتاب از آنها یاد شده است با توضیحاتی مختصر برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز خواهد آمد.

گوگلیمو مارکونی:

مهندس برق ایتالیایی (۱۸۷۴-۱۹۳۷)

برنده جایزه نوبل فیزیک برای اختراع سیستم بی سیم / رادیو

رئیس فرهنگستان علوم ایتالیا و در مجلس سنای ایتالیا به مقام سناتوری رسید.

از پادشاه انگلیس و تزار روسیه مقام نجیب زاده دریافت کرد.

در سال ۱۹۱۷ عضو هیئت اعزامی ایتالیا به آمریکا و در سال ۱۹۱۹ به عنوان نماینده تام الاختیار ایتالیا در کنفرانس صلح پاریس بود.

توماس آلا ادیسون:

۱۸۴۷-۱۹۳۱

مخترع و بازرگان آمریکایی

۲۵۰۰ امتیاز اختراع را که مهمترین آنها لامپ برق است را به نام خود ثبت کرد.

از دیگر اختراعات مهم وی : میکروفن / گرامافون / کیتوسکوپ (نوعی دستگاه نمایش فیلم) / دینام

موتور و لاستیک مصنوعی را می توان نام برد

رنه دکارت:

متولد فرانسه در ۱۵۹۶

وفات در استکهلم در ۱۶۵۰

ریاضی دان و فیلسوف بزرگ عصر رنسانس

باروخ اسپینوزا:

فیلسوف هلندی

از بزرگترین خردگرایان و فلاسفه قرن هفدهم و زمینه ساز ظهور نقد مذهبی و همچنین باعث و بانی ظهور عصر روشنگری از قرن هجدهم است.

آرتور شوپنهاور:

۱۷۸۸-۱۸۶۰

فیلسوف آلمانی

از بزرگترین فلاسفه اروپا و پر نفوذ در حوزه اخلاق/ هنر/ ادبیات معاصر و زوانشناسی جدید است.

وی معتقد بود "فلسفه نباید با جملات پیچیده آمیخته باشد".

تعدادی از کتابهای وی:

هنر همیشه بر حق بودن

جهان و تاملات فیلسوف

در باب حکمت زندگی

جهان همچون اراده و تصور

دنیا این جوری است!

مرگ (مجموعه مقالات)

ویلهلم فردریش هگل:

فیلسوف بزرگ آلمانی قرن هجدهم

از پدید آورندگان "ایده آلیسم" آلمان که عقایدش بعدها سنگ بنای "مارکسیسم" شد.

از آثار وی:

پدیدار شناسی روح

علم منطق

دایره المعارف علوم فلسفی

عناصر فلسفه حق

ارباب و بنده

رالف والدو امرسون:

فیلسوف و نویسنده آمریکایی قرن نوزدهم

فارغ تحصیل و استاد الهیات هاروارد و کشیش فرقه "یونیتاریست" بود

اولین کتابش با نام "طبیعت" که مجموعه ای از رسالات کوتاه و فرهنگی و اجتماعی است در سال ۱۸۳۶ منتشر شد که ترویج زندگی بی آرایش و سازگار با سرشت انسان است.

بعدها کتابی با عنوان "خطاب به کالج الهیات" نوشت که منجر به اخراجش از هاروارد گردید.

بعدها نوشته هایش محبوبیت زیادی یافت و او بارها به عنوان پیشوای ادبی و مشوق فرهنگی نسل جوان شناخته شد

از کتابهای او:

روش زندگی

جامعه و فرد

برگ های علف

وی به "سعدی" علاقه فراوان داشت تا جایی که نوشته های وی را با "انجیل متی" مقایسه می کرد.

امرسون در مدح "حافظ شیرازی" نیز مقالاتی نگاشته است

جان دیویس راکفلر:

سرمایه دار بزرگ تاریخ آمریکا

دیل کارنگی:

نویسنده و سخنران آمریکایی

توسعه دهنده درسهایی در زمینه پیشرفت شخصی ..فروشنده و سخنرانی در جمع بود.

مورگان فریمن:

بازیگر و کارگردان آمریکایی برنده اسکار

آبراهام لینکلن:

ریس جمهور آمریکا که جنگهای داخلی آمریکا و برده داری را پایان بخشید

پولس قدیس:

پولس از مهمترین مبلغان دین مسیح است.

وی هرگز با عیسی مسیح دیدار مستقیم نداشت . در شهر طرسوس (ترکیه امروزی) متولد شد.

خانواده اش یهودی و نامش شایول بود. بعدها به خدمت دولت روم در آمد و نام پولس را برای خود برگزید.

در ابتدا از دشمنان مسیحیت بود و بسیاری از مسیحیان را به قتل رساند. سبی در جاده دمشق مسیح مقدس بر وی نازل گشت و او را با نام عبری اش خطاب قرار داده به او گفت: " شائول! چرا مرا می آزاری؟"....پس از آن پولس سه روز نا بینا گشت و حضرت مسیح در خواب به دیدار وی آمده از او خواست در دمشق به دیدار فردی به نام " حنانیا " برودپولس به دیدار او رفت و توسط حنانیا دوباره بینایی خود را باز یافت.

وی از طرف عیسی مسیح مامور شد که مبلغ مسیحیت برای غیر یهودیان باشد.

پولس در عقایدش با حواری ارشد پطرس به اختلاف نظر خوردند و در تبلیغ از هم جدا شدند.

وی مدتی هم در عربستان بود و در آنجا با "برنابا" که بعدها انجیلی هم نوشت آشنا و همکار شد اما بعدها باهم به اختلاف نظر خوردند و از او نیز جدا شد.

کتاب اعمال رسولان از پولس است.

وی در سال ۶۷ میلادی بدست رومیان مصلوب گردید.

اونس: واحد جرم برابر با یک شانزدهم پوند!

پسا گفتار مترجم:

بعضی کارها گاهی به طلسم می خورند. بازخوانی ترجمه و تایپ این کتاب هم دقیقا مثل چاپ و نشر آن شد.

بهار امسال شروع شد و حالا خاتمه یافته است

(دی ماه ۹۱)...شاید دلیلش مشکلات شخصی من بود...شاید هم....

هر چه که بود اعتقاد دارم هر چیزی در بهترین وقت و بهترین زمانش اتفاق می افتد پس حتما حکمتی در کار بوده که تا حالا کار طول کشیده....

در پایان می خواهم اولاً تشکر کنم از طراح محترم آثارم آقای "مهرزاد.ش" که با سلیقه و دقت و علاقه و عشق فراوان این کارها را در نهایت زیبایی و حوصله انجام می دهند.... و بعد تشکر کنم از حمایت خوانندگان و علاقمندان عزیز آثارمان

گاه انسان چیزی را عقیده مطلق میداند اما لحظه ای میرسد که می بیند هیچ نمی دانسته.... مطلقاً هیچ!

و عشق کارزاری است که هر چه در آن پیش روی بیش تر در میابی که هیچ از آن نمی دانی.... عشق انواع مختلف دارد.... نمی توانی هرگز عشق را به مالکیت کسی تفسیر کنی.... عشق مال و اموال نیست که به کسی بگویی مال من هستی.... مگر وسیله خانگی تست که مال تو باشد.... عشق رها است... عشق حقیقی آزاد است... رهاترین و آزادترین در دنیا.... عشقت اگر حقیقتاً عاشقت باشد هرگز در میان بازوانت مال تو نیست.... بلکه هیچ است.... تو و او هیچ خواهید شد و محو.... اصلاً نه منی هست و نه تویی که بخواهید بگویید مال من یا مال تو....

خدایا! مگذار ادعای پرستش و بندگی تو برایم نام و نان شود.... بگذار عاشق باشم و عاشق بمیرم.

"آمین"

دکتر بهاره دادرس

۲۶ دی ماه ۱۳۹۱